

نخستین پیروزی مردم تایلند

در هفته‌های اخیر، بانکوک پایتخت تایلند شاهد اعتراضات مکرر، هر چه شدیدتر و هر چه گسترده‌تر مردم علیه ژنرال سوچیندا کراپرایون بود که علیرغم اعلام قبلی‌اش مبنی بر اجتناب از تصدی پست دولتی، پس از انتخابات پارلمانی به مقام نخست‌وزیری منصوب شده بود. پاسخ حکومت تایلند به اعتراضات مردم، نخست اعزام سربازان و

در فاصله کمتر از یک ماه سه شورش بزرگ در سه شهر بزرگ کشور روی داده که هر سه آنها علیه حکومت جمهوری اسلامی و علیه شرایط طاقت‌فرسای زندگی در ایران کنونی بوده است. آخرین این شورش‌ها هفته گذشته در مشهد روی داد که طی آن هزاران نفر از مردم معترض و خشمگین در خیابان‌های شهرپراه افتاده و در سر راه خود شیشه‌های بانک‌ها و سایر اماکن دولتی را خورد کردند و با مأموران انتظامی به مقابله پرداختند. یک هفته قبل از این، شهرستان اراک و پیش از آن نیز شیراز، شاهد این چنین اعتراضات حاد و گسترده مردم بودند.

خبر تظاهرات مردم شیراز و شورش خوین اراک همانند صدا مورد از اعتراضات و اعتصابات کارگران و کارمندان در یک سال گذشته، در رسانه‌های وابسته به رژیم انکاس نیافت، اما ابعاد شورش مردم در مشهد گسترده‌تر از آن بود که رسانه‌های دولتی و مقامات رژیم براحتی بتوانند با سکوت از کنار آن بگذرند. رسانه‌های حکومت بناچار در مورد شورش مردم مشهد زبان به اعتراض گشودند.

ماجرای شورش در شهر مشهد از تخریب چند منزل مسکونی مردم توسط مأموران شهرداری - که ظاهراً غیرقانونی بنا شده بودند - آغاز شد، اما دلایل انفجار خشم مردم چه در مشهد و چه در اراک و شیراز هر چه بوده باشد، ریشه در نارضایتی همیشگی مردم از رژیم و وضع فلاکت‌بار زندگی و معیشت در حکومت جمهوری اسلامی دارد. این حرکات ادامه اعتراضات و اعتصابات است که از یک سال پیش بدین سو همزمان با تشدید مشکلات معیشتی مردم بی‌وقفه ادامه دارد. اعتصاب پزدان کارگران و کارکنان ایالتی‌ها،

مدیرعامل شرکت تعاونی مطبوعات کشور

مطبوعات باید تشکل داشته باشند

از سوی معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سمیناری بنام "سمینار بررسی مسایل مطبوعات" در حاشیه پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار شد. در این سمینار مدیرمسئول هفته‌نامه گل آنا، سردبیر نشریه سلام و مدیرعامل شرکت تعاونی مطبوعات کشور سخنرانی کردند. محمد محسن سازگارا مدیرعامل شرکت تعاونی مطبوعات کشور در سخنرانی خود به بحث پیرامون "آزادی سیاسی" و وضع مطبوعات در کشور پرداخت. وی از جمله گفت: "اگر آزادی سیاسی را به معنی

کدام

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲۰ خردادماه ۱۳۷۱ - ۵ ژوئن ۱۹۹۲ - دوره سوم - شماره ۳۶

آیا زمین امکان بقا خواهد داشت؟

پنجم ژوئن برابر با پانزدهم خرداد ماه، روز جهانی حفاظت از محیط‌زیست است. مقاله‌ای که در زیر می‌آید به مناسبت این سالروز تهیه شده و در آن بگونه گذرا از مهم‌ترین جهانی که در پیوند با این موضوع عموم بشری مطرح است، سخن از ضرورت حفظ محیط‌زیست را با اشاره به تشکیل مهم‌ترین اجلاس جهانی برای بررسی مسایل محیط‌زیست که اخیراً در ریودو ژانیرو برزیل برگزار شده، آغاز می‌کنیم.

در صفحه ۱۰

تظاهرات گسترده مردم مشهد و اراک علیه حکومت

مردم ادارات دولتی، بانکها و اتوبوس‌ها را به آتش کشیدند

حاکمیت نظام است و برخورد قوه قضائیه با اینگونه تشبثات سریع و قاطع خواهد بود. یزدی بلافاصله هئیتی را به سرپرستی رئیس دادستان انقلاب اسلامی به مشهد اعزام داشت. به نوشته روزنامه‌ها بازجویی از دستگیر شدگان بطور شبانه روزی ادامه دارد. اطلاعات به نقل از یک منبع رسمی دولتی اعلام کرد که احتمالاً در چند روز آتی حکم اعدام عده‌ای از دستگیر شدگان صادر خواهد شد. اخبار رسیده حاکی است که عده‌ای از تظاهرکنندگان اعدام شده‌اند.

رژیم در روز بعد گروهی از حزب الهی‌ها را بسیج کرد و تظاهراتی به طرفداری از

شهر مشهد روز نهم خردادماه شاهد تظاهرات وسیع علیه حکومتگران بود. هزاران نفر از مردم در خیابانها راه افتادند و خشمگینانه به شهر داری و سایر ادارات دولتی، بانکها، اتوبوسها و فروشگاههای وابسته بدولت یورش برده و به آتش کشیدند. این تظاهرات زمانی آغاز شد که مأمورین شهرداری در صدد خراب کردن خانه هائی در کوی طلاب که بطور غیر قانونی ساخته شده بودند، برآمدند. مردم محل در مقابل مأمورین شهر داری ایستادند و بعنوان اعتراض به اقدام شهر داری به راهپیمائی پرداختند. هزاران تن از اهالی شهر به آنها پیوستند.

پاسداران به سوی تظاهرکنندگان آتش گشودند. بر اثر تیراندازی آنها، دهها نفر کشته و زخمی شدند. این درگیری تا روز بعد ادامه داشت. رویتر گزارش داد که: "تا ۲۴ ساعت پس از

دستگیر شدگان با قاطعیت به مجازات خواهند رسید. نوری اضافه کرد: "رحمت و رافت بیش از حد دولت اسلامی باعث جری شدن عده‌ای اراذل و افراد ولگرد شده است". وی تأکید کرد که دولت و قوه قضائیه سخت‌ترین مجازات را در مورد این گونه افراد اعمال خواهد کرد و اجازه این گونه حرکات را دیگر نخواهد داد. یزدی رئیس قوه قضائیه نیز اعلام کرد: قوه قضائیه در برابر هر نوع قانون شکنی و نقض مقررات با قاطعیت و قدرت برخورد خواهد نمود و تجاوز به حاکمیت قانونی نظام را تحمل نخواهد کرد و تشبث به اخلاک‌گری حتی اگر برای نیل به حق قانونی باشد از مصادیق بارز قانون شکنی و رویارویی با

افتشاش های مشهد، هنوز دود غلیظی نضای شهر را تیره ساخته، مغازه‌ها بسته و امور تجاری به کلی متوقف شده، ادارات دولتی هم چنان بسته است و صدای تیر اندازی در سراسر شهر مشهد شنیده میشود.

شورای امنیت ملی جلسه فوق العاده به ریاست و رفسنجانی تشکیل داده و در شهر مشهد حکومت نظامی برقرار نمود. در همان روز جاده‌های ورودی شهر بسته شد.

نوری وزیر کشور در مصاحبه با رادیو جمهوری اسلامی اعلام کرد که ۳۰۰ تن از تظاهرکنندگان دستگیر شده است. او تظاهرکنندگان را افراد مفسدنی الارض، اراذل و اوباش خواند و گفت

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تظاهرات گسترده مردم مشهد علیه جمهوری اسلامی

در صفحه ۲

قیمت ۴۸۷ قلم دارو افزایش یافت

* قیمت این اقلام دارو ۲ تا ۵۰ برابر بالا رفته است.
* مردم بشدت از افزایش قیمت دارو و ناراضی هستند و اغلب با فروشندهگان دارو درگیر میشوند.
قیمت ۴۸۷ قلم از داروهای عمومی و تخصصی افزایش یافت؛ قیمت برخی از این داروها تا ۵ برابر بالا رفته است. بعنوان نمونه قیمت هر بسته قرص اسپرین بچه از ۱۳۰ ریال به ۶۵۰ ریال (۵۰۰ درصد) و قیمت هر بسته قرص اسپرین ۳۲۵ میلی‌گرمی از ۳۰۰ ریال به ۸۰۰ ریال (۲۶۷ درصد) و از داروهای تخصصی قیمت هر بسته قرص پروپانولول از ۲۲۰ ریال به ۸۸۰ ریال (۳۰۰ درصد) افزایش یافته است. اکثر داروهای که قیمت آنها شدیداً بالا رفته است، در کارخانه‌های دارو سازی داخل کشور فرموله شده و بسته بندی میشوند.

افزایش قیمت داروها ابتدا بدون اعلام رسمی وزارت بهداشت انجام گرفت. ولی سرانجام این وزارتخانه افزایش قیمت داروها را از ۲ تا ۵ برابر تأیید کرد و در توجیه آن گفت که اقلام دارویی صنعت دارو سازی کشور از قبل از انقلاب تاکنون افزایش نداشته است. بگفته معاون امور دارویی و بهداشتی این اقدام به منظور ادامه روند تولید امری است اجتناب ناپذیر و بر همین بنیه در صفحه ۲

آغاز کار مجلس چهارم

ناطق نوری تنها کاندیدی است که ریاست مجلس، به جای کربوبی نشست.

روز هفتم خرداد ماه ۱۳۷۱، چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی افتتاح شد. مجلس جدید در نخستین جلسات خود، آئین‌های تشریفاتی و امور مربوطه به تصویب اعتبارنامه‌ها را انجام داد و سپس در جلسه ۱۲ خرداد هیئت رئیسه جدید خود را برگزید. در انگیزی مخفی که به این منظور صورت گرفت، علی‌اکبر ناطق نوری با ۱۹۱ رأی از مجموع ۲۳۰ رأی به عنوان رئیس جدید مجلس بر جای مهدی کربوبی نشست. ناطق نوری رقیب دیگر نداشت و تنها کاندیدی بود که از سوی ائتلاف حاکم و مقامات اصلی رژیم برای این مقام منظور شده بود و بدین ترتیب انتخاب او از پیش مسجل بود.

ناطق نوری در مجلس سوم و به ویژه سال‌های پایانی آن، رهبری جناح اقلیت را به عهده داشت. حسن روحانی دبیر شورای امنیت و علی‌اکبر پوروش از چهره‌های سرشناس وابسته به جناح رسالت با ۲۰۰ و ۱۸۰ رأی به سمت معاونین اول و دوم مجلس برگزیده شدند. در این رأی‌گیری سنجایی‌نیا، شهرزاد، باهنر، انجلی، اکرمی به عنوان منشی و توتی و مسکراولادی به عنوان کارپردازان هیئت رئیسه مجلس انتخاب شدند. رئیس و معاونین او یک هفته پیش از این به عنوان

هیئت رئیسه موقت مجلس برگزیده شده بودند. بدین ترتیب همانگونه که پیش‌بینی می‌شد، هیئت رئیسه مجلس چهارم به‌طور کامل به قبضه ائتلاف حاکم درآمد.

جلسه افتتاحیه مجلس چهارم با پیام خامنه‌ای افتتاح شد. خامنه‌ای در این پیام ضمن اشاره به آنکه مجلس باید مجلسی اسلامی باشد و "سرسپرده" امام باقی بماند. لزوم کنترل بیشتر نمایندگان را مورد تأکید قرار داد. وی در بخشی از پیام خود گفت: "اگر نماینده‌ای از تریبون مجلس خدای نخواست، سخنی خلاف واقع یا موجب اضطراب و تشویش اذهان عمومی، یا متضمن اهانت و افترا به دیگران، یا همراه با افشاء اسرار کشور، یا مایه یاس و سرخوردگی مردم را پخش کند، گناه ناشی از آن به عظمت و گستردگی شعاع این رسانه محم است و مردم چنین کسی را نخواهند بخشید". خامنه‌ای گفت مجلس باید "با پیش‌بینی‌های لازم خود پیشقدم شده و چنین فرد بی‌مسئولیتی را از فغلت خارج سازد".

هاشمی رفسنجانی نیز در سخنرانی افتتاحیه خود، به تعیین حدود وظایف و اختیارات مجلس و نمایندگان پرداخت؛ او که خود به عنوان رئیس جمهور باید تحت

کنترل و نظارت مجلس باشد، بخش مهمی از سخنانش را به تعیین وظایف مجلس چهارم اختصاص داد. رفسنجانی هماهنگی بین مسئولان و دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیریان و قوای کشور را یک ضرورت قطعی و حتمی نامید و گفت: "هر کس در هر حدی این هماهنگی را به هم بزند گناه کرده است." وی اصلاح برنامه ۵ ساله اول و تصویب برنامه ۵ ساله دوم را مهمترین وظایف مجلس چهارم نامید. رفسنجانی بار دیگر از جریان انتخابات و نتایج آن که مورد اعتراض جناح خط امامی بنیه در صفحه ۲

در این شماره

چند گام به پس؟ در صفحه ۶

نکاتی کوتاه درباره مقاله‌ای بلند در صفحه ۷

جایجایی در قدرت؟ معرفی کتاب در صفحه ۷

دولت رفسنجانی در تلاش برای جلب سرمایه گذاری های خارجی

هنوز مرحله دوم انتخابات دوره چهارم مجلس برگزار نشده بود که دولت رفسنجانی به اکتفا به نتایج مرحله اول و با اطمینان از نتایج کلی انتخابات و ترکیب مجلس جدید و آرایش قوا در هرم قدرت، به نخستین اقدام خود برای بهره گیری از این فضای تازه در درون حکومت دست زد. نوربخش وزیر اقتصاد و دارایی و هادلی رئیس بانک مرکزی از سوی رفسنجانی مأموریت یافتند در زمینه تخصیص اعتباراتی برای طرح های عمرانی و صنعتی در ایران با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول وارد مذاکره شوند. این مذاکرات ظاهراً موفقیت آمیز بوده است اما با این شرط از سوی بانک جهانی که محدودیت سرمایه گذاری های خارجی لغو گردد، این مطالبه بانک جهانی بلافاصله پس از بازگشت نوربخش و هادلی به تهران برآورده شد و "شورای عالی سرمایه گذاری" اعلام کرد "درخواست سرمایه گذاران خارجی بدون محدود کردن درصد مشارکت آنها مورد بررسی و تصمیم قرار می گیرد." پس از این تصمیم تخصیص دو وام ۵۷ و ۷۷ میلیون دلاری از سوی بانک جهانی برای ایران توسط نوربخش اعلام گردید.

این اقدام رفسنجانی که در همین حال حساس ترین اقدام وی نیز به شمار می رود، کاری بود که در شرایط سیاسی پیش از انتخابات مجلس چهارم در درون آسان نبود. گویا اینکه رفسنجانی در اقدامی دیگر، در آخرین روزهای هم مجلس سوم لایحه "تشکیل شرکت سرمایه گذاری های خارجی" را با قید دوفوریت به مجلس داد. اما مجلس دو فوریت این لایحه را رد کرد و هملا از بررسی و تصویب آن طفره رفت. هم اکنون مقامات دولت و نمایندگان آن در خارج، فعالانه سرگرم توضیح سیاست تازه دولت درباره سرمایه گذاری خارجی هستند. هفته گذشته محسن نوربخش در مصاحبه ای مطلوبهائی گفت مابرای طرح های تولیدی و صنعتی نیازمند سرمایه گذاری های مشترک با خارج هستیم و سرمایه گذاری خارجی در ایران هیچ محدودیتی ندارد. نوربخش گفت مابا اصل سرمایه و سود آن و خروج آن با ارز را تضمین می کنیم. پیش از او، حسین موسویان سفیر جمهوری اسلامی در آلمان طی سخنانی در "اسپینار اقتصاد ایران" در بن گفته بود: امکانات زیادی برای سرمایه گذاران خارجی پیش بینی شده است، مانند انتقال نامحدود سود سالیانه به ارز، بر خورداری از حقوق قانونی یکنسان با موسسات داخلی و جبران فزاینده ناشی از سلب مالکیت و ملی شدن سرمایه به ارز.

جلب سرمایه گذاری ها و دریافت اعتبارات خارجی در اصلاحات اقتصادی هاشمی رفسنجانی و برنامہ ۵ ساله دولتی وی جایگاه مهمی دارد، اما او تاکنون نتوانسته موفقیت چندانی در این زمینه کسب نماید. مخالفت اکثریت نمایندگان مجلس دوره سوم در زمینه فوق یکی از عوامل موثر این ناکامی بود. تغییر ترکیب مجلس تا حدی شرایط را

آغاز کار مجلس چهارم

بقیه از صفحه اول

است دفاع کرد و مدعی شد که مردم در این انتخابات "رکورد حضور" را شکسته اند و به نظام اعتماد دارند. پیام خامنه ای و سخنان رفسنجانی خطاب به مجلس چهارم را باید ادامه و تاکید بر همان سیاستی ارزیابی کرد که بر جریان انتخابات این مجلس و حذف تندروها حاکم بود. مجلس چهارم باید "همانند" با مقامات رژیم باشد و به تشنج ها و بحران های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی دامن نزند. موفقیت حساس جمهوری اسلامی چه در منطقه و چه در داخل کشور، که اکنون با اعتراضات و نارضایتی های گسترده مردم تعدید می شود، و عزم رفسنجانی برای پیشبرد بدون مزاحمت برنامه هایش، ناظرمانی هایی چون ناظرمانی های مجلس سوم را تحمل نمی کند و مجلس مطیع می خواهد.

مقابله مردم با حکومت

بقیه از صفحه اول

۱۴ سال از استقرار آن است. این طغیان ها خشم منفته در قلوب مردم نسبت به حکومت را به هیات آشکار ساخته و برای نخستین بار رفتار و سیاست های رژیم را زیر تاثیر خود گرفته است. حکومت، وحشت زده از همق نارضایتی مردم و انفجار خشم آنها به سرکوب و وحشیانه روی آورده است. پیش از این رژیم از سرکوب همه جانبه اعتراضات مردم خودداری می کرد و در مواردی در مقابل مطالبات مردم دست به عقب نشینی می زد، اما تداوم این اعتراضات به اشکال حاد آن و محدودیت امکانات رژیم برای مانور و عقب نشینی بویژه در ارتباط با مشکلات معیشتی مردم، موجب هراس حکومت و توسل آن به سرکوب آشکار شده است. در ناآرامی های اخیر صد ها نفر بازداشت شدند، تعدادی با گلوله عوامل رژیم به قتل رسیده اند و هم اکنون ده ها نفر در بازداشتگاه ها اعدام و یا در انتظار محاکمه و اعدام هستند. تداوم این سرکوب ها حتی اگر به مجازات این طغیان ها و جلوگیری از گسترش آنها نیز منجر شود، شکاف میان مردم و حکومت را بازمی بیشتر خواهد کرد. شکافی که دیروز خود را با صورت امتناع بخش وسیعی از مردم از شرکت در انتخابات نشان داد و فردا نیز هر کجا که شرایط مناسب باشد به اشکال مختلف دیگر از جمله نظیر انفجارهای مشهد و اراک خود را نشان خواهد داد.

در برابر رژیم سرکوب و خفتان و در برابر حکومتی که هیچگونه امکان قانونی برای بیان آزادانه مخالفت و اعتراض باقی نگذاشته و حاضر نیست در این راه قدمی بردارد، گسترش مخالفت ها و اعتراض ها، تنها راه عقب نشاندن حکومت و وادار ساختن آن به تامین و رعایت حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم است. اما روشن

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تظاهرات گسترده مردم مشهد علیه جمهوری اسلامی

روز شنبه ۹ خرداد ماه گروهی از مردم مشهد به تظاهرات گسترده ای دست زدند. این تظاهرات زمانی آغاز شد که مأمورین شهرداری در صدد خراب کردن خانه هایی در کوی طلاب، در شمال شهر مشهد برآمدند که بگفته شهرداری این شهر، بطور غیر قانونی ساخته شده است. مردم محل بلافاصله به مقابله با مأمورین برخاسته و بعنوان اعتراض در خیابان های شهر به راهپیمایی پرداختند. هزاران تن از مردم در حین راهپیمایی به آنها پیوستند. تظاهر کنندگان خشمگین که از جور و ستم بی حد و حصر رژیم اسلامی به تنگ آمده بودند، به شهرداری و برخی ادارات دولتی و شعبات بانک ها حمله برده، آنها را به آتش کشیدند و تعدادی از اتوبوس ها و فروشگاه های دولتی را سوزاندند. پاسداران رژیم به شدت به مقابله با تظاهر کنندگان پرداخته و آنها را سرکوب کردند. بر اساس برخی گزارش ها در نتیجه حمله مأمورین ۸ نفر از تظاهر کنندگان کشته شدند، رژیم اسلامی که از خدات ابعاد تظاهرات به وحشت افتاده بود، جاده های ورودی شهر را بست و شهر را تحت کنترل شدید خود در آورد. مأمورین رژیم بیش از ۳۵۰ تن از تظاهر کنندگان را دستگیر کردند.

نوری وزیر کشور، تظاهر کنندگان را افراد مغسود فی الارض، اراذل و اوباش نامید و اعلام کرد مسئولین امنیتی و قضایی آنچه با قدرت و قاطعیت با حوادث مشهد بر خورد خواهند کرد که دیگر چنین رویدادهایی تکرار نشود. یزدی رئیس قوه قضائیه نیز اعلام کرد که همان اینگونه حوادث به شدت به کینر خواهند رسید. در مطبوعات رژیم نیز اطلاع

داده شد که احتمالاً در چند روز آتی حکم اعدام عده ای از دستگیر شدگان صادر خواهد شد. تظاهرات اخیر شهر مشهد، سومین حرکت اعتراضی وسیع مردم در یک ماه اخیر است. قبل از آن شهرهای شیراز و اراک شاهد تظاهرات اعتراضی مردم علیه حکومت بود. تظاهرات ضد حکومتی مردم اراک، بویژه، ابعاد گسترده ای داشته است. در اراک نیز تظاهرات با هجوم مأمورین برای تخریب خانه های خارج از محدوده آغاز شد و خیابانهای مرکزی شهر را در بر گرفت. جمهوری اسلامی که از گسترش حرکات اعتراضی مردم به وحشت افتاده است اینبار می خواهد با سرکوب شدید و احتمالاً اعدام عده ای از تظاهر کنندگان شهر مشهد، از مردم زهر چشم بگیرد تا آنها جرأت نکنند علیه رژیم بپاخیزند اما هلیرفم سرکوبگری ها و استبداد حاکم، بر زمینه جدت بحران همه جانبه دامنگیر کشور، حرکات اعتراضی مردم رو به گسترش است.

با بلند کردن صدای اعتراض و جلب حمایت نیروهای دمکرات جهان، باید بیاری مردم شتافت و گذاشت که سران سرکوبگر رژیم اسلامی، صدای اعتراض مردم را خفه کنند. اکنون خطری جدی جان دستگیر شدگان تظاهرات مشهد را تهدید میکند. با استفاده از همه امکانات و طرق مناسب برای نجات جان و آزادی آنان بکوشیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۱ خردادماه ۱۳۷۱

تظاهرات گسترده مردم مشهد و اراک علیه حکومت

بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی راه انداخت. سران حکومت تاکنون مانع انعکاس خبر حرکات اعتراضی مردم از جمله در شیراز و اراک میشدند. ولی این بار به جهت ابعاد گسترده تظاهرات و انعکاس آن توسط خبرگزاریها، مجبور شدند خبر آن را اعلام نمایند. تلویزیون جمهوری اسلامی تصاویری از ساختمانها و اتومبیل های سوخته را نشان داد. تظاهرات مردم اراک مردم شهر اراک نیز در روز ۳۰ اردیبهشت ماه تظاهرات گسترده ای علیه رژیم جمهوری اسلامی راه انداختند. منشا این تظاهرات نیز مقاومت بی سرپناه هایی در برابر مأمورین شهرداری حکومت بود که از نظر شهرداری اقدام به ساختن خانه های غیر مجاز کرده بودند. در جریان این مقابله، یک کودک ۱۳ ساله زیر ماشین میرو که موجب مرگ او می شود این کودک بتازگی با انجام یک عمل پیوند کلیه از مرگ نجات یافته بود. در پی این واقعه دلخراش مردم خشمگین چندین وسیله نقلیه را متوقف و ماشین مأمورین را به آتش کشیدند. بدینال این حادثه مردم در خیابانها راه افتادند و شعار "مرگ بر شهرداری" سر دادند. تظاهر کنندگان، شهر دار، دادسرا و چندین شعبه بانک و تعدادی ماشین ها را آتش زدند. مردم هکس های خمینی، خانه

نشده بود و کماکان با ارز دولتی و بصورت آزاد در اختیار بیماران قرار میگرفت، ولی پس از بحث و جدل فراوان، سیاستهای آزاد سازی اقتصاد کشور گریبانگیر این کالا نیز گردید. (روزنامه سلام - ۳ خردادماه ۱۳۷۱).

در سالهای اخیر بخشی از دارو ها ساز بازار آزاد در میاورد و در دارو خانه یافت نمیشد، این گونه دارو ها چند برابر قیمت دولتی در بازار آزاد فروخته میشود. اکنون با افزایش قیمت دارو ها معلوم نیست که بازم دارو ها به بازار آزاد راه نیابند و در چنین صورتی طبیعی است که قیمت

است نقش موثر جنبش اعتراضی در واداشتن حکومت به عقب نشینی به میزان زیادی به حد سازمان یافتگی آن بستگی دارد. مسلم است که این حرکت های اعتراضی توسط نیروها و افرادی در داخل کشور که مستقیم یا غیر مستقیم در جریان سیر واقعه و نتایج آن قرار دارند، مورد بازنگری قرار می گیرد و همبطور کوشش برای سازماندهی آنها و ایجاد ارتباط میان حرکت های مختلف و پراکنده در نقاط مختلف امری طبیعی است. اما، مجموعه روندهایی که در کشور می گردد. قبل از هر چیز هشدار است به اپوزیسیون دموکرات و ترقیخواه که مسئولیت عظیم خود را در قبال اوضاع کنونی و آتی کشور دریابند. نیروهای اپوزیسیون قاعدتاً این تجربه را با خود دارند که بدون وجود یک محور متحد کننده و متکی بر حمایت مردم و لاجرم مرتبط با مردم، حادث ترین حرکات اعتراضی مردمی، یا با شکست و سرکوب و معمولاً یاس و سرخوردگی ناشی از این شکست مواجه می شود و یا به گونه ای کور مورد سوء استفاده حکومتگران و سایر نیروهای ارتجاعی قرار می گیرد. متأسفانه از شتاب ضرور برای نزدیکی نیروهای دموکرات و ترقیخواه هنوز خبری نیست.

قیمت قلم دارو افزایش یافت

اساس و با توجه به موافقت شورای عالی اقتصاد که در سال ۱۳۷۰ مقرر گردید تا تعدیلات لازم بر روی قیمت دارو بعمل آید. روی مدعی شده که با وجود این افزایش قیمت های فعلی معادل یک پنجم تا یکدهم قیمت دارو در سایر کشورهاست. بگفته یکی از پزشکان: "دارو در کشور ما تقریباً تنها موردی بود که پس از انقلاب دستخوش تغییر قیمت

دارو در بازار آزاد باز هم افزایش خواهد یافت. افزایش قیمت دارو ها بار سنگین را بر دوش اقشار میانی و پائین جامعه خواهد گذاشت. آنها طبعاً باسانی قادر نخواهند بود که دارو های مورد نیاز خود را با چنین قیمت هائی تهیه نمایند. بگفته دارو خانه داران بعد افزایش قیمت ها، عده ای از مردم به دلیل نداشتن پول از خرید دارو منصرف شده اند. مردم به شدت از این مسئله ناراضی هستند و بانها مختلف دست به اعتراض میزنند و اغلب با فروشندگان دارو درگیر میشوند.

سترداد تروریست رژیم اسلامی به فرانسه

مدیرعامل شرکت تعاونی مطبوعات کشور

مطبوعات باید تشکل داشته باشند

بقیه از صفحه اول

صورت قانونی و سازمان یافته باشد. وی سپس به وضعیت کنونی مطبوعات پرداخت و گفت: «به اعتقاد من آن چیزی که الان در مطبوعات ما دارد اتفاق می افتد من اسمش را می گذارم دوره چهارمی که فضای مطبوعات ما مدیر عامل شرکت تعاونی مطبوعات کشور مادم. این مطبوعات را عامل مهمی در جلوگیری از توسعه این روند خواند و گفت: «مادامی که در این کشور مقاله ای می نویسی و هر کس به آدم میرسد می گوید هنوز تو را نگرفته اند؟ هنوز آزادی؟ این نشان می دهد که در معرض تهدید است و امنیت ندارد.»

سازگارا ضرورت ایجاد اتحادیه مطبوعات را خاطر نشان کرد و گفت: «در همین وضع فعلی ما فاقد هرگونه تشکیلاتی در مطبوعاتمان هستیم تنها تشکل موجود چیزی بنام تعاونی

سفرای دو کشور فرانسه و سوئیس در تهران جداگانه به وزارت امور خارجه احضار شدند تا اعتراض رسمی ایران را بپذیرند. حمید رضا آصفی مدیرکل این وزارتخانه در امور اروپا، که همچنان از سرحدی به عنوان یکی از کارکنان اداری سفارت جمهوری اسلامی ایران در سوئیس نام میبرد، به نماینده برن درباره تأثیر این اقدام بر روابط دو کشور مبادر داد. مقامات سوئیس اعلام کرده اند که نام سرحدی در سیاهه اسامی دیپلمات های ایرانی موجود نیست. آصفی در گفتگو با سفیر فرانسه خواهان آزادی فوری ضیاء سرحدی شد.

با این حال در پی استرداد سرحدی به فرانسه، از سوی وزارت خارجه این کشور اعلام شد که محاکمه تروریست ۲۵ ساله دولتی، در صلاحیت قوه قضاییه فرانسه می باشد و توسط آن صورت خواهد گرفت.

لیزتم اعتراضات و دهای مکرر تهران، مقامات سسی سرحدی را به فرانسه ل دادند. وی که از سوی لویی بروگیر «بازپرس رسیدگی به پرونده ترور شاپور بختیار و دستیار وی ش کتیبه رسما متهم به کت در این ترور شده است، ۵ خرداد (۲۶ مه) در گاه «بازل-مولوز» تحویل ت فرانسوی شد.

خرداد (۲۵ مه) تقاضای د نظر سرحدی، که در ماه ی در اختیار مقامات فضایی س قرار گرفته بود، از سوی ر شد. این مقامات روز ۵ (۲۴ فوریه) تصمیم خود بر تحویل ضیاء سرحدی که در بر سال گذشته میلادی در از سفارت ایران در سوئیس نیر شده بود، به مقامات موی را اعلام کرده بودند.

ژیم که کجاگان بر آزادی دی مصر است، پس از اتخاذ بم اولیه تضات برن مبنی بر اری سرحدی به فرانسه، بت اروپایی را از عواقب ی این تصمیم بر حذر داشته اخذ این تصمیم حتی به ی موقت روابط ایران و بس و تعطیلی گذرای سفارت بس در تهران منجر شد.

مردان ایرانی امیدوار بودند تحدیدات و اقدامات مشابه، ات قضایی سوئیس را از رد ای تجدید نظر سرحدی واهد داشت. ولی محاسبات ن غلط از آب درآمد.

ه فاصله چند ساعت پس از داد سرحدی به فرانسه،

حوادث اخیر و مطبوعات کشور

در ابتدای این یادداشت آمده است که: «متأسفانه در سال جدید شاهد وقایع نسبتا مشابهی در بعضی شهرهای کشور بودیم. حوادث شیراز، اراک و مشهد را نمیتوان و نمی بایست نادیده گرفت. سکوت در مقابل آنها سبب حل هیچ مشکلی نمیشود. واقعیتی است انکار ناپذیر که باید جواب های روشنی در مقابل سئوال های پیرامون آن رازانه کرد.»

سلام پرسیده است که آیا این وقایع از ابتدا به منظور ایجاد بلوا و آشوب رخ میدهد؟ یا اینکه حرقه اولیه که سبب اعتراض میشود، کاملا پیش بینی و توجیه پذیر می باشد؟ اگر به منظور ایجاد آشوب و بلوا است پس چرا دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی نمی توانند آنها را پیش بینی کنند؟ اگر چنین نیست و حادثه در آغاز ناشی از موضوعاتی است کاملا خارج از مسائل سیاسی و گروهی و تحریکات خارجی، پس چرا برای ممانعت از بروز چنین حوادثی فکر نمی شود؟ سلام میگوید سیاستهای اقتصادی عمل اصلی ایجاد چنین زمینه هایی است و اضافه میکند که امیداریم که همه دست اندر کاران و مردم میان کارهای اخلاکگانه، تخریب و آتش زدن با زمینه های طبیعی پیدایش این وقایع تکلیک قائل شوند.

مطبوعات کشور در مورد تظاهرات شیراز و اراک مهر سکوت بر لب زدند. فقط روزنامه سلام در ستون «الو، سلام» در پاسخ به تلفنهای مکرر در مورد علت عدم درج تظاهرات اراک اعلام کرد که هیچ یک از منابع خبری رسمی گزارش را منعکس نکردند و خبرنگار سلام نیز مطالبی را منعکس کرده که بدلیل اهمیت موضوع، سعی شد مطالب آن از منابع دیگر خبری نیز مورد تأیید قرار گیرد که چنین توفیقی حاصل نشد. سلام اضافه کرد از آنجاکه کلیه منابع رسمی سیاست سکوت را پیشه ساخته اند فکر کردیم که شاید مصلحتی در میان باشد که سلام از آن بی اطلاع است. لذا از درج خبر خودداری نمودیم. سلام در همین حال اظهار کرد که این روز نامه معتقد است که سیاست جاری خبری در سطح کشور نمیتواند به حال جامعه مغید واقع شود و ضروری است که در آن تجدید نظر اساسی صورت گیرد.

مطبوعات کشور است که حدود ۱۹۲ عضو از مجموعه مطبوعات کشور دارد. اما اشکالی که این تشکل دارد این است که در قالب چیزی بنام شرکت تعاونی است و حالا تابع وزارت تعاون، محدودیتهای خاص و امکانات خاص خود را دارد و به هیچ عنوان چنین تشکلی پاسخگوی نیاز تشکل مطبوعاتی ما با آن انگیزه ای که عرض کردم نیست. «وی تأکید کرد: «روزنامه نگارها باید تشکل داشته باشند. بهتر از تشکل جامعه پزشکان به لحاظ فرهنگی، اما هنوز به جایی نرسیده ایم.» سازگارا فشارهای متعدد به مطبوعاتی ها را دلیل ناکامی در تشکیل اتحادیه مطبوعات نامید و گفت: «وقتی خواستیم تنها دور هم دیگر جمع شویم، در دو دل کنیم، صحبت کنیم، ناله ای کنیم، باهم یک چای بخوریم، مواجه شدیم که با روز نامه نگارها بر خورد و تعدی میشود که چرا دور هم جمع می شوند و چرا فلان کس حرف می زند و چرا او...»

سوئیس دارای کارنامه درخشانی نیست. سفارت جمهوری اسلامی در این کشور مرکز هدایت فعالیت های تروریستی حاکمان ایران در خارج از کشور است. حمایت از محاکمه و مجازات قانونی تروریست ها، از جمله در این مورد تروریست های دولتی ایرانی، باید همچنان با تأکید بر اتخاذ سیاست های موثر ضد تروریستی از سوی دول اروپایی همراه باشد.

نظر بین المللی رژیم را در وضع دشوارتری قرار خواهد داد. اگر مقامات اروپایی با موارد دیگر ترور دولتی فرستادگان حکومت اسلامی حاکم بر ایران از جمله دکتر قاسمی، دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران، برخوردی قاطع و موثر می کردند، مسلما بر فعالیت های تروریستی رژیم اسلامی نه نقطه پایان ولی حداقل حد و مرزی گذاشته می شد.

در این زمینه بویژه دولت

دومین مناظره سردبیران 'رسالت' و 'سلام'

در این جلسه نیز مجددا از سردبیر سلام علت عدم شرکت در یک جلسه گفتگو با مدیریت کیهان مطرح گردید. مهدی در پاسخ باین سئوال گفت که کیهان دشمن آزادی است و تا هنگامی که موضع خود را نسبت به آزادی روشن نکند امکان پذیرش آن در خانواده مطبوعات وجود ندارد. کیهان باید موضع خود را نسبت به آزادی، قانون مطبوعات و هیئت منصفه اعلام کند. کیهان باید اعلام کند چرا مواد قانون مطبوعات را رعایت نمی کند؟ چرا جوابیه های افراد و موسسات را چاپ نمی کند؟ چرا وقتی مطالب «سلام» را تحریف میکند و «سلام» جواب میدهد آن را چاپ نمی کند؟ باید موضع خود را در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در حضور هیئت منصفه اعلام کند و خواستار اجرای قانون مطبوعات شود.

مناظره آتی بین سردبیران دو روزنامه «سلام» و «رسالت» پیرامون بگر ماههای اقتصادی در دانشگاه تهران برگزار خواهد شد.

دومین مناظره سردبیران روزنامه های «رسالت» و «سلام» پیرامون «ولایت فقیه» در دانشگاه تهران برگزار شد. این بار بجای مرتضی نبوی، جانشین آن در جلسه حضور یافته بود. جانشین سردبیر «رسالت» که از ولایت مطلقه فقیه دفاع میکند اظهار داشت که ولایت فقیه مافوق قانون است و رای مردم به تنهایی مشروعیت حکومت اسلامی را تأمین نمی کند. ولی فقیه مصلحت جامعه را بر اساس وظیفه ای که از جانب خدا و رسول خدا و الهه به او احاله شده، تشخیص میدهد.

مهدی سردبیر سلام در این جلسه اظهار داشت که قانون اساسی مشروعیت حکومت اسلامی را تأمین مینماید و مشروعیت قانون نیز از رای مردم سر چشمه میگردد. او افزود که در بعد اعتقادی همه حق دارند به فتوای مجتهدین مورد نظر خود عمل کنند، اما هر فتوایی در مقام اجرا آنگاه برای عموم الزام آور است که در قالب قانون بیان شود.

سردبیر سلام: بدنه دولت با دولت نیست

ولی دولت از خودش دفاع نمی کند؟ گفتیم برای اینکه بدنه دولت با آن نیست. شما بروید در وزارت برنامه و بودجه از صدها کارشناس نمی توانید یک نفر را پیدا کنید که از سیاستهای جاری دفاع کند. گفته سردبیر سلام، مغایران چهره ای است که رفسنجانی از دولت خود ارایه داده است. دولت خود ارایه داده است. رفسنجانی همواره چنین تبلیغ میکند که متخصصین و تکنوکراتها (بدنه دولت) مدافع سیاستهای اقتصادی او و نیروی اجرایی این سیاستها هستند.

عباس مهدی سردبیر نشریه سلام در سخنرانی خود در «سمینار بررسی مسایل مطبوعات» مدعی شد که «بدنه دولت» با دولت نیست. وی گفت: «مانباید اینطور بپذیریم که هر کسی که سیاست اقتصادی را نقد می کند پس به معنی این است که از سیاست اقتصادی دولتی محض و سوسیالیستی دفاع میکند. این سیاستها در همین قالب موجود هم نقد پذیر است. با یکی از دوستان صحبت میکردیم، بحث می کرد چرا وضع این طور است

جمهوری اسلامی، قدرت اتمی!

چرمان، متخصص هسته ای فرماندهی عالی ایران از قزاقستان به وی پیشنهاد شد که برای ایران از ذخایر هسته ای شوروی سلاح هسته ای تهیه کند. دلال مذکور با استیتوی اتمی کورچاتوف مسکو در ارتباط بوده است. از شروط معامله این بوده است که قطعات مجزای بمب به ایران منتقل شوند و در آنجا مونتاژ گردند.

نظر محافل سیا پیرامون گزارش مذکور این بود که اخبار از موساد دریافت شده اند و نمی توان به آن ها اطمینان کامل داشت. در سازمان اطلاعاتی آلمان نیز چنین پنداشتند که این امکان وجود دارد که اسرائیل تمایل داشته باشد فشار سیاسی پیشگیرانه علیه ایران و تجویز اتمی آن سازمان جاسوسی آلمان از خرید سلاح توسط ایران از قزاقستان را نمی توان به اطلاعات نادرست منابع اسرائیلی مربوط کرد.

جمهوری اسلامی، هلیرقم امضای قرار داد منع سلاح های اتمی، از علائق خود در جهت استفاده نظامی از نیروی هسته ای بهیچوجه صرف نظر نمی کند. روز سوم آبان سال ۷۵ سید هطالطه مهاجرانی، معاون ریاست جمهوری طی نطقی در مقابل یک کنفرانس اسلامی در تهران گفت از آنجائی که اسرائیل در تصاحب سلاح اتمی است، باید مسلمین

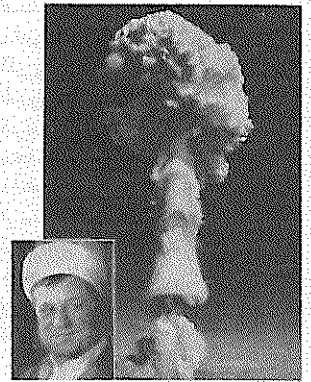
بر اساس اطلاعات سرویس های آلمان، جمهوری می موفق به خرید دو کلاهک ی شده است. برخی از منابع از سه کلاهک سخن می گویند.

حدود سه ماه پیش معاون مان جاسوسی آلمان در زشی به دولت، اعلام داشت که ن توانسته است از قزاقستان کلاهک هسته ای و موشک های برد متوسط را فراهم آورد. در ادامه گزارش خود گفته که سازمان اتمی داند که آیا ن امکان استفاده بالفعل از سلاح ها را دارد یا نه؟

اما مسئله این نیست. صضان هسته ای بر این نظرند به احتمال قوی جمهوری می قصد دارد از این دو کلاهک اهداف آموزشی و تحقیقی ناده کند تا بتواند تولید سلاح خود را سرعت دهد.

این که ایران بعنوان اولین دار تجارت کلاهک هسته ای رخ میشود، تعجب دست اندر ان را بر نمی انگیزد. نوامبر پیش سیا و سازمان اطلاعاتی ن گزارش دادند، که ایران به ن «ضربتی» در پی تجهیز به یک سلاح هسته ای میباشد. در ژانویه مقامات آمریکائی م کردند که همالین ایرانی از ل سال ۱۹۹۱ در آذربایجان، یکنستان و قزاقستان اطباتی برقرار کرده اند. در ن یاژوئیه طی دیدار مهدی

برای تولید یک بمب اتمی با یکدیگر همکاری کنند. گسترش روابط ایران با جمهوری های مسلمان نشین جامعه دولتهای مستقل موجبات نگرانی دول غربی را فراهم میسازد. تهران با هله تمام، کنسولگری های خود در این جمهوری ها را به حد سفارتخانه ارتقا داده است. بر اساس اطلاعات سازمان جاسوسی



آلمان فعالترین مراکز سربازگیری سربازان مزدور تکنولوژیک روس، سفارتخانه های ایران در دوشنبه و باکو هستند.

نشریه «ساندی تایمز» به نقل از مقامات سازمان مخفی انگلیس گزارش میدهد که ایرانی ها در صدد صید متخصصین هسته ای با پیشنهادهایی تا ۱۱ هزار دلار در ماه هستند. فعالین سازمان مخفی روسیه که به تازگی اطلاعاتی با

از میان رویدادها

جمهوری اسلامی ۶ میلیارد و ۲۷۷ میلیون دلار از بانکهای غربی وام دریافت کرده است

در سه ماهه آخر سال گذشته میلادی جمهوری اسلامی ۶ میلیارد و ۲۷۷ میلیون دلار از بانکهای غربی وام دریافت کرده است. براساس آخرین گزارش بانک تسویه بین المللی (بی.اس.ای) میزان وام دریافتی ایران از بانکهای غربی در سه ماهه آخر سال گذشته میلادی شش میلیارد و ۲۷۷ میلیون دلار بوده که نسبت به سه ماهه قبل از آن ۴۲ درصد افزایش داشته است. میزان دریافتی ایران در سه ماهه سوم ۴ میلیارد و ۱۸۴ میلیون دلار بوده است. به گفته همین بانک میزان وام دریافتی کشورهای ترکیه، الجزایر، عربستان سعودی، عراق، مصر، مراکش، کویت و پاکستان از بانکهای غربی در سه ماهه چهارم سال ۱۹۹۱ نسبت به دوره قبل افزایش یافته است.

ممنوعیت تردد اتومبیل های کهنه در تهران

مربور دودزایی اینگونه خودروها و ضرورت حفاظت از محیط زیست اعلام شده است. با اعلام این تصمیم و سقوط شدید بهای این خودروها، دسته بزرگی از مردم تهران دچار زیان مالی شده اند. علاوه بر این بویژه ممنوعیت تردد ۳۰۰ هزار موتورسیکلت در تهران کاررفت و آمد روزانه همه کثیری از زحمتکشان تهرانی را دچار مشکل می سازد. در اعتراض به این تصمیم عده ای از افراد مزبور در گفتگو با خبرنگاران مطبوعات خواستار لغو یا اجرای تدریجی آن شده اند.

"پیروزی"

تهران جام حذفی کشور

تیم پیروزی تهران در دیدار نهایی جام حذفی باشگاههای کشور تیم ملوان بندرانزلی را ۲-۱ شکست داد و قهرمان این جام شد. گل های، پیروزی توسط محمدحانی (۱۶) و شیر محمدی (۸۱) به دست آمد. تنها گل ملوان را داوودی در دقیقه ۸۲ به ثمر رساند. این مسابقه در ورزشگاه آزادی تهران و در حضور ۶۵ هزار تماشاگر شد.

زارهین گیلان نگران آینده خود هستند

برخوردار نیستند، شدیداً نگران وضعیت معیشتی خود هستند. این نگرانی از آینده به حدی است که چندتن از شالیکاران استان گیلان به هلت فشارهای روحی شدید ناشی از خسارات وارده به مزارع خود دچار اختلالات روحی گردیده و در مراکز درمانی بستری شده اند.

هر پاکت خالی سیگار

به ده تومان

در تهران هر پاکت خالی سیگار مارلبورو ده تومان می ارزد! خریدار پاکت های خالی، شرکت واردکننده این سیگار است. این شرکت پیشتر ده تومان بر بهای هر پاکت سیگار افزوده بود و متعاقباً اقدام به خرید پاکت های خالی که روی آن این برچسب وجود داشته باشد: این پاکت سیگار با ارز آزاد وارد شده است.

اخباری از ترکمن صحرا

* در چهاردهم فروردین ماه سال جاری پاسداران به سوی سه ماهیگیر کناره گمش تپه آتش گشودند که موجب مرگ این سه نفر شدند. نام قربانیان این جنایت نغرت آوزاین قرار است: ۱ - ناز مهر کوچکی فرزند مرادقلیچ استا ۲ - حاجی رحمت قره چه فرزند ابراهیم آخوند ۳ - آناه مهر قره چه فرزند سیدجان * در اواخر اسفند ماه گذشته یکی از پناهندگان سیاسی ترکمن بنام دکتر اوکتای نوبری که در ترکیه زندگی می کرد هدف گلوله

راهپیمایی جمعی از دانشجویان در حمایت از جمهوری آذربایجان

تعلیل مصاحبه های هفتگی

سخنگوی دولت

مصاحبه های هفتگی حسن حبیبی سخنگوی دولت مدتی است برگزار نمی شود. از سوی دولت توضیحی در این زمینه داده نشده است. روزنامه ها نیز از عدم برگزاری مصاحبه های هفتگی سخنگوی دولت اظهار بی اطلاعی کرده اند.

لغو حکم توقیف کشتی اجاره ای ایران در ترکیه

دادگاه فرجام ترکیه با نقض حکم دادگاه امنیت دولتی استانبول دستور آزادی کشتی توقیف شده اجاره ای ایران را صادر کرده است. در صورت اعتراض دادگاه استانبول، اجرای این دستور تا بررسی نهایی معلق می ماند. کشتی مزبور در مهرماه سال گذشته توقیف گردید. این اقدام بر تنش مناسبات دولتی ترکیه و جمهوری اسلامی افزود. تصمیم تازه مقامات قضایی ترکیه در همین حال می تواند اقدامی آشتی جویانه از سوی دولت ترکیه تلقی شود. تشنج مناسبات دو دولت بویژه با رویدادهای اخیر آذربایجان و ارمنستان بیشتر شده است. در مطبوعات تهران مداوما مقالاتی حاوی نگرانی نسبت به افزایش نفوذ دولت ترکیه و ایده پان ترکسیم در جمهوری آذربایجان و آسیای میانه درج می شود.

کشف ۴۰۰ کیلو تریاک

در یک درگیری تازه میان نیروهای انتظامی و کاردانی از قاچاقچیان، ۴۰۰ کیلو تریاک ضبط گردید و مقادیری سلاح به دست مأمورین افتاد. محل این درگیری منطقه ای در میانه زابل و زاهدان بود. اکنون مدتی است که در بلوچستان درگیری مسلحانه نیروهای انتظامی با گروه های مسلح و نیز باندهای قاچاق بلاوقته ادامه دارد. در دو ماه اخیر در این منطقه از باندهای قاچاق ۴۶۰۰ کیلو گرم تریاک و ۳۱ قبضه انواع سلاح جنگی از قبیل توپ ۸۲ میلی متری، تیربار و آرپی جی بدست آمده است.

۹۵۰ خانوار صاحب ۷۰ درصد نقدینگی کشور است

اموال مصادره گردیدند و بی اعضای هزار فامیل از کشور خارج شدند. آمار فوق آشکار می سازد هرم آسیب دیده سلسله مراتب مالی توانسته است خود به طور کامل بازسازی کند. شواهد، همه اعضای خانوار را سر هرم باید کسان تازه ای با که برخورد از نفوذ سیاسی حکومت جمهوری اسلامی قاد جذب و تملک بخش بزرگ نقدی کشور شده اند. حجم نقدینگی کشور در ۱۳۶۷ مبلغ ۱۷۰۰۰ میلیارد ریال بود.

پیرامون نتایج اجلاس اخیر اوپک

تولید و افزایش قیمت نفت کرده است و با آنکه اخیراً فر بیش از سهمیه تعیین شده اش اوپک را اندکی پایین آورد، تلاشهای وسیعی جهت افزایش تولیدات نفتی خود دست است. آقا زاده وزیر نفت مصاحبه با هفته نامه "پترو" آرگوس" در لندن اعلام کرد جمهوری اسلامی تا ماه ما ۱۹۹۳ (۵ امه دیگر) ظرفیت تولید نفت خود را به ۵ میلیون بشکه در روز خواهد رساند. * آقا زاده وزیر نفت جمعی اسلامی در بازگشت از وین تا آخرین اجلاس اوپک را مثبت ناکافی و فاقد کارائی دانست. اظهار داشت که مطابق برر کارشناسان وزارت نفت با حجم از تولید، رسیدن به نرخ دلار در بشکه نامقدور است و است تولید اعضای اوپک تا ۲۱ میلیون بشکه در روز پا آورده شود.

گفتنی است که در اجلاس وزیر نفت عربستان سعودی؛ نخستین بار از حضور سرباز این اقدام که به بهانه خست صورت گرفت در آستانه اج نگرانی هائی را باعث شد سرپرستی هیات سعودی را؛ دیگر از وزرای این کشور بر داشت. به نظر نمی رسد اوپک تازه که اعضای عده آن در صد افزایش صادرات نفت خود و زیر پانه سهمیه ها و توافق های تعیین هستند، بتواند اقدام موثری جهت بالا بردن قیمت نفت در جهانی انجام دهد. اقدام اج قبل اوپک در مورد کاهش سه تولید تا میزان ۲۳ میلیون به که به منظور رساندن قیمت به سطح ۲۱ دلار صورت گرفته نیز از جمله به این دلیل بی نت ماند.

برخورد دو قطار ۵۰ کشته و مجروح برجای گذاشت

حادثه اعلام نشد. راه ا جمهوری اسلامی به بازمانده افراد فوت شده مبلغ ۲۰۰ تومان قرامت داده است. نوشته یکی از روزنامه ها قیمت لکوموتیو منهدم شده بیش قیمت جان ۲۷ انسان بوده است

۲۳ امه سال ۶۸ می گوید که فقط در کشور ما ۳۲ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند و بیش از ۷۰ درصد نقدینگی کشور در اختیار ۹۵۰ خانوار است. * مطلب فوق بخشی از سخنرانی نویسنده نامدار محمود دولت آبادی در سمپوزیوم "ادبیات در گذار به هزاره سوم" بود. این سمپوزیوم چندی قبل در مونیخ برگزار گردید. پیش از انقلاب همه دارایی بخش خصوصی کشور توسط اعضای هزار فامیل تصاحب شده بود. با انقلاب، بخش بزرگ این

اجلاس وزرای کشورهای صادر کننده نفت عضو اوپک روزهای ۵ شنبه و جمعه گذشته در وین پایتخت اتریش برگزار شد. بنا به گزارش خبرگزاری ها این اجلاس سقف تولید کشورهای شرکت کننده را به میزان ۲۳ میلیون بشکه در روز اعلام کرد. در اجلاس قبلی اوپک در ژوئن در ماه ژانویه گذشته بر روی این سقف تولید توافق شده بود. تصمیم فوق بر این پایه اتخاذ شد که بتواند قیمت هر بشکه نفت را به ۲۱ دلار در بشکه برساند. آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی، موضع ایران در این اجلاس را دستیابی به توافقی که بتواند به تثبیت نرخ نفت در حد ۲۱ دلار بیانجامد، اعلام داشته بود. در اجلاس اوپک تلاش هایی از سوی عربستان و کویت برای افزایش سقف تولید صورت گرفت.

تشکیل اجلاس اوپک در شرایطی صورت گرفت که اخیراً کشورهای غربی مالیات بر واردات نفت را بالا برده اند و این اقدام آنها با اعتراض همه اعضای اوپک حتی ناراضی عربستان مواجه شده است.

توافق اوپک به افزایش بهای نفت به مقدار ۷۰ سنت در هر بشکه منجر شد. قیمت نفت در بازار جهانی اکنون حدود ۱۷ دلار در هر بشکه است. اعضای عده تولید کننده نفت در اوپک همگام تعیین سهمیه بندی ها، خواهان افزایش صادرات نفت خود هستند و در قالب موارد این افزایش صادرات را راسا به اجرا می گذارند. سیاست عربستان سعودی افزایش بیشتر صادرات نفت است. کویت که پس از ویرانیهای ناشی از جنگ خلیج فارس، بتدریج مجدداً وارد بازار صدور نفت می شود، خواهان سهمیه ای بیشتر برای خود می باشد. جمهوری اسلامی نیز که در اوپک همواره از محدودیت

در اثر برخورد قطار مسافری تهران - اهواز یک قطار باری ۲۷ تن کشته و ۲۵ تن مجروح شدند. این حادثه در دوم خرداد و در نزدیکی دورود رخ داد. بیشتر کشته شدگان مأمورین و کارکنان دو قطار بودند. هلت این

به نشو و نشسته روزنامه سلام روز سوم خردادماه گروهی از دانشجویان دانشگاه تبریز در حمایت از جمهوری آذربایجان و محکومیت جمهوری ارمنستان به راهپیمایی پرداخته و خواستار حمایت قاطع و جدی رژیم اسلامی از مسلمانان آذری شدند. این راهپیمایی همیرغم مخالفت مسئولین دانشگاه و انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاه برگزار شده بود.

در این راهپیمایی که حدوداً ۲۰۰ نفر شرکت داشتند، به زبان آذری شعارهای جنگ بر ارمنستان و مرگ بر فرانسس پس داده و سکوت مسلمانان در برابر ارمنستان را خیانت به قرآن توصیف کردند.

این راهپیمایی که از محوطه دانشگاه شروع شده بود تا مرکز شهر تبریز (میدان شهر داری) ادامه یافت که در آنجا با دخالت نیروهای انتظامی بدون درگیری و اغتشاش به پایان رسید.

در روز ششم خرداد ماه نیز صدها تن از دانشجویان دانشگاه تهران با انجام راهپیمایی در داخل دانشگاه و تجمع در مسجد آن، نقض حاکمیت جمهوری آذربایجان از سوی ارمنستان را محکوم کردند. دانشجویان با دادن شعارهایی چون "ایرانی آذری برادر دینی اند"، کشته شدن مردم بی گناه را نکوهش کرده و خواستار محکومیت مجامع بین المللی شدند. دانشجویان هم چنین از دولت ارمنستان خواستند هر چه سریعتر نیروهای نظامی خود را از جمهوری آذربایجان خارج کند و به توافق نامه اجلاس سران در تهران پایبند بماند.

تصرف بخشی از خاک آذربایجان توسط ارمنی ها که به حق اعتراض همومی را در پی داشته است، در همین حال به رشد گرایشهای تند ناسیونالیستی در بین گروهائی از آذری های ایران و شکل گیری خصومت به ارمنی ها منجر شده است. شعار "مرگ بر ارمنستان" و شعارهای تند ناسیونالیستی دانشجویان دانشگاه تبریز نشانه رشد چنین گرایش هائی است. طبعاً شداین شعارها و گرایش خلاف روند بهبود مناسبات بین خلق ها است.

این همان آقای رفسنجانی است!

نجانی:

ه هایی که مادر دهه گذشته داشتیم، ضد عدالت اجتماعی بود

می رفسنجانی، رئیس در سخنرانی افتتاحیه مجلس چهارم که اکثر آن را، برخلاف مجلس خودی، آنها تشکیل داد، پاره‌ای از نظرات ه تاکنون به طور صریح به ورده بود، تشریح کرد. نجانی که در جریان های انتخاباتی سکوت پیشه کرده بود، به دفاع شورای نگهبان پرداخت و خواست که "صلابت و" خود را ادامه دهند. حمایت از جریان "رسوای مجلس چهارم نان ساخت: "در مجموع کار انشاءالله برای خود انقلاب مبارک باشد. به علت و هشیاری شورای نگهبان که با قاطعیت، آن شخص دادند، عمل کردند، آنان تشکر کرد و انتظار آرینده هم همیشه صلابت داشته باشند. آقای نی که اکنون پس از و حذف و بیرون کردن از مجلس، این چنین و قاطعیت "شورای را مورد ستایش قرار ، همان آقای رفسنجانی پیش از انتخابات، در دیدار ی و خوئینی‌ها، به خاطر پروهای تندور، از جریان

حذف آنها ابراز تاسف کرده و "شوکه" شده بود! رفسنجانی بخشی از سخنانش در جلسه افتتاحیه مجلس را به تشریح سیاست‌های اقتصادی خود اختصاص داد و سیاست "حذف سوبسیدها" را مورد تایید دوباره قرار داد. رفسنجانی گفت: "مادر شرایطی زندگی می‌کنیم که مهم‌ترین سرمایه کشور را که در حال حاضر از دست و آن هم ارز حاصل از فروش نفت مجانی بین مردم پخش می‌کنیم و بیشتر آن را هم پول دارها می‌خورند، حالا می‌خواهیم این سبک زندگی را عوض کنیم." رفسنجانی برای توجیه این سیاست مجبور شد بر همه ادعاهای عدالت طلبی پیشین جمهوری اسلامی قلم بکشد. وی خطاب به مخالفین خود در حکومت گفت: "در مورد عدالت اجتماعی که شما بحث میکنید، باید گفت شیوه‌هایی که ما در دهه گذشته داشتیم ضد عدالت اجتماعی بود. آمار به ما می‌گوید که در ده، دوازده سال گذشته، همیشه نسبت افزایش درآمد دهگان بالایی تشریحی تشریحی نسبت به دهگان پایین یعنی تشریحی بی‌پول زیادتر بوده است." رفسنجانی مدعی شد: "نقطه از سال ۶۹ برعکس شد، یعنی در این دو سال درصد افزایش درآمد اقشار پایین نسبت به درصد

افزایش درآمد اقشار بالا بیشتر بوده است." آقای رفسنجانی که اکنون برای توجیه سیاست‌های اقتصادی خود بر تمام گذشته خود جمهوری اسلامی قلم بطلان می‌کشد، همان آقای رفسنجانی است که در "دهه گذشته" آن بحث‌های معزوف مربوط به عدالت اجتماعی را در خطبه‌های نماز جمعه به راه انداخت و از همان سیاست‌هایی به نام عدالت اجتماعی دفاع کرد که امروزه آنها رفسنجانی که خود نیز دروغ‌هایی را که در مورد برعکس شدن روند "ضد عدالت اجتماعی" از سال ۶۹ به بعد می‌گوید، باور ندارد، خطاب به نمایندگان خاطر نشان ساخت: "مرحله توسعه اقتصادی سریع همیشه قربانی جامعه گرفته است." اما آقای رفسنجانی نمی‌تواند اعلا کند که این قربانیان از میان "دهگان بالایی تشریحی یولدار" هستند. تظاهرات گسترده مردم در شیراز، اراک و مشهد علیه فقر و بی‌خانمانی نشان داد که توده‌های مردم نیز نمی‌خواهند قربانیان "توسعه اقتصادی سریع" آقای رفسنجانی باشند.

جانشینان خمینی امسال سومن سالروز مرگ خمینی را تا حدودی متفاوت از سال‌های پیش و به طور گسترده و با جبار و جنجال برگزار کردند. یک هفتماز ۸ تا ۱۴ خرداد - به عنوان "ایام بزرگداشت سومین سالگرد ارتحال امام" اعلام شد و آئین‌ها و مراسم ویژه‌ای در این یک هفته برگزار گردید. از انواع و اقسام "بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام"، "امامی" که شاید مهم‌ترین اظهار نظرش در مورد اقتصاد همان بود که گفت: "اقتصاد مال خراست". به گفته رادیو تهران دولت برای بیش از ده هزار میهمان خارجی از هند و پاکستان و افغانستان گرفته تا آسیای میانه و قفقاز برای حضور در مراسم سالمرگ خمینی ویزا صادر کرده بود و همین رادیو قبل از آغاز مراسم‌ها پیش‌بینی کرد که تا یک میلیون نفر از "امت حزب‌الله" از اطراف و اکناف کشور برای زیارت "مرقد امام" به تهران سرازیر می‌شوند. هیات دولت نیز روزهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ خرداد روزه‌های عزای عمومی اعلام کرده بود. در این سه روز همه میهمان خارجی و داخلی بر سر تیر خمینی گرد آمده و به عزای او نشستند. تدارکات و تبلیغات در این روزها به گونه‌ای بود که گویا خمینی یکبار دیگر زنده شده و از نور مرده است. اقدام دولت در اعلام سه روز عزای عمومی و صدور ویزا برای هزار نفر از سوی وزارت خارجه و بسیاری موارد دیگر نشان داد که

خود آقایان رفسنجانی و خامنه‌ای پشت سر این جبار و جنجال و تعزیه‌گردانی قرار دارند و به نظر می‌رسد این همه، در این وانفاسی مصائب و مشکلات کشور مردم بیش از هر چیز دیگر، برای آن بود که هاشمی رفسنجانی و یارانش نشان دهند که "امام" "فراموش" نشده و آنها از "خط" امام "دور نرفته‌اند". ائتلاف حاکم حداقل به دو دلیل دنبال آن بود که مراسم سالمرگ خمینی به نمایش وفاداری آنها به "امام" و اینکه "امام فراموش نشده" بدل شود. اول به این دلیل که بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی حزب‌الله موادار این نظام نسبت به حکومتگران دلسرد شده‌اند و نسبت به وفاداری سردمداران حکومت به خمینی بدگمانند. بخشی از این نیروی حزب‌الله حتی در انتخابات اخیر مجلس شرکت نکرد و مشارکت بخش دیگر غیرفعال بود. تبلیغات انتخاباتی تندروها و اتهام "عدول از خط امام" و "فراموشی امام" که آنها به ائتلاف حاکم نسبت دادند و همینطور تفاسیر رسانه‌های فربی در جریان انتخابات که روی "پیروزی رفسنجانی طرفدار اصلاحات و بهبود رابطه با غرب" بر "نیروهای طرفدار ادامه راه خمینی" تاکید می‌کردند، در تشدید تردیدهای "حزب‌اللهی‌ها" هاشم امام" و فاصله گرفتن آنها از رفسنجانی و یارانش تاثیر داشت. تبلیغات فرب با اینکه در خارج از کشور به سود رفسنجانی بود اما، در داخل کشور در از تباطل نیروی حزب‌الله او را دچار مضمضه می‌کرد. برای

رفسنجانی و دوستانش سالمرگ خمینی فرصت فنی‌مندی بود که به کوششی برای رفع سوطن "فراموشی امام" از خود و مقابله با دلسردی طیف دیگر اندک هواداران رژیم، دست بزنند. دوم آنکه تندروها در کارزار انتخاباتی خود به طور عمده از چماق "عدول از خط امام" بر علیه رفسنجانی و خامنه‌ای و حامیان آنها استفاده کردند. با آنکه این تندروهای خط امامی شکست خوردند، اما به عنوان نیروی تاثیر گذار بدنه حکومت باقی‌اند. در چنین شرایطی باقی ماندن چماق "فراموشی امام" در دست این نیروها قدرت تاثیر این نیروی شکست خورده را در بدنه حکومت بیشتر می‌کرد. در برابر اقدامات ائتلاف حاکم که در آینده بدان دست خواهند زد و یاز همین حالا شروع کرده‌اند، مشکلات چه بسا جدی، می‌آفرید. از این جهت نیز سالگرد مرگ خمینی فرصتی بود که رفسنجانی و خامنه‌ای - اگر بخت با آنها بود - یکبار برای همیشه پرچم "دفاع از امام" و "خط امام" را از چنگ رقبای شکست خورده اما، از پاننشسته خود بدر آورند.

موسوی خوئینی‌ها بعد از انتخابات اخیر گفته بود "رویارویی سیاسی" در میان محافل هیات حاکمه پایان نیافته بلکه "پایان انتخابات تا آغاز گشته است". به نظر می‌رسد مراسم سومین سالمرگ خمینی نیز به جزئی از این رویارویی سیاسی بدل شده بود.

تهدید روزنامه‌های ایران علیه نویسندگان خارج از کشور

انتشار بیانیه جمعی از نویسندگان و روشنفکران ایرانی معتمد خارج از کشور در اعتراض به فتوای اعدام سلمان رشدی و تقاضای لغو این فتوای سوی آنها با عکس العمل شدید برخی از روزنامه‌های تهران مواجه شد. "کیهان" و "جمهوری اسلامی" با انتشار مقالاتی، امضاکنندگان بیانیه فوق را تهدید به قتل و مجازات کردند. کیهان در مقاله‌ای تحت عنوان "کوتوله‌های فکری و حمایت از سلمان رشدی!" نوشت: "ایا بهتر نبود حماقت نمی‌کردید و حداقل امنیت جانی خود را در معرض خطر قرار نمی‌دادید؟" روزنامه جمهوری اسلامی نیز به تهدید آشکار این عده پرداخت و نوشت: "این افراد نیز بشمول حکم امام درباره سلمان رشدی می‌باشند و طبعاً تشریاتی که مطالبی از این افراد به چاپ برسانند نیز در واقع اقدام به همسویی با استکبار و رویارویی با امت اسلامی نموده و محکوم به تحمل واکنش مسلمانان قبیور خواهند بود."

تهدید آشکار نویسندگان و روشنفکران ایرانی خارج از کشور توسط روزنامه‌هایی چون کیهان و جمهوری اسلامی، ادامه تلاش تازه‌ای است که در هفته‌های اخیر برای سرکوب هر نوع دگراندیشی در کشور به راه انداخته شده است. مراکز اصلی روحانیت و دستجات و روزنامه‌های وابسته به آنها، با برجسته کردن چنین

جنایت هولناک در تهران

دوشنبه شب، ۲۸ اردیبهشت ماه، جنایت هولناکی در تهران اتفاق افتاد. قاتلین یک زن و مرد پزشک به نام‌های دکتر فلاح تفتی متخصص و جراح قلب و همسرش منیژه زرساز گار پزشک کودکان را به همراه دختر ۱۱ ساله و پسر ۱۶ ساله آنها به طرز فجیعی با ضربات کارد به قتل رساندند. این جنایت در خانه دکتر تفتی در خیابان پاسداران اتفاق افتاد.

این جنایت هولناک بازتاب گسترده‌ای در تهران یافت و قلب‌های بسیاری را بدر آورد. همراه با تاثیر و تاسف نسبت به این جنایت، احساس عدم امنیت در سطح تهران گسترش یافت و وضع حاصل نشده است مگر به پایداری نشریات و نیروهای مخالف استبداد. در حالیکه پاره‌ای از مقامات و نشریات رژیم می‌توانند در برابر این سرکوبگری‌ها به ایستند و می‌ایستند، سؤال این است که چرا نشریات مخالف ارتجاع و استبداد باید با ارتجاع و استبداد هم‌آوا شوند؟ آیا حداقل سکوت، شایسته‌تر نمی‌بود؟ آیا بهتر این نبود که روی این موضوع پافشاری می‌شد که اگر اتفاقی به یک نشریه وارد است فقط باید در دادگاه مربوط به مطبوعات و با حضور هیئت منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد تا صحت یا عدم صحت آن اثبات شود؟

از شیوه آزموده شده باید اجتناب کرد

نه در جای دیگر، به نتایج دلخواهی نرسیده است. این شیوه یک شیوه آزموده شده ناموفق است و تجربه سرکوب یک به یک احزاب سیاسی مطبوعات مترقی پس از انقلاب نیز گواه همین امر است که سرکوب یک دگراندیش هرگز به سرکوب همان یکی محدود نمی‌ماند.

برای عقب‌نشاندن نیروهای ارتجاعی و گسترش آزادیها، جز پافشاری بر مواضع دموکراتیک و بسج نیروها در این جهت، راه دیگری نیست. وسیله و طریق نیل به یک هدف، نباید متضاد با آن باشد.

ما بر شرایط خفقان بار حاکم بر ایران و قضای دشواری که بر مطبوعات فیروابسته و مستقل حاکم است، واقفیم. ارتجاع هنوز تا به آن اندازه قوی است که مطبوعات را زیر هم می‌چماق و سانسور بگیرد و بر آنها یورش آورد و در یک چنین شرایطی احتیاط و پرهیز از تندروی امری است طبیعی، اما آیا هم صدا شدن با ارتجاع و تایید حمله به نشریات دیگر نیز در یک چنین چارچوبی قابل توضیح است؟ شرایط برای مطبوعات مستقل در ایران دشوار است، اما برای مرتجعین نیز آسان نیست که هر چه می‌خواهند بکنند، اگر چنین بود آنها در تعطیل بسیاری از نشریات یک روز هم درنگ نمی‌کردند و این

چند گام به پس؟

ف. تابان

آنچه که در چند ماهه اخیر از سوی طرفداران مشی مصالحه در سازمان ما، در زمینه سازماندهی فعالیت حزبی در ایران بیان شده، بیش از پیش به انحلال طلبی گرایش یافته است. اساس پیشنهادها این مشی در زمینه سازماندهی فعالیت حزبی در ایران، توصیه به انواع نرمش‌ها در برابر استبداد و تبدیل شدن به یک "حزب نرم" است. خصوصیات این "حزب نرم" در فعالیت حزبی، پرهیز از هرگونه فعالیت جمعی و فردی پنهان از رژیم و مخالفت با مبارزه غیرهملنی و غیرقانونی است. استدلال اصلی برای این مخالفتها آن است که شیوه‌های غیرقانونی مبارزه با "اصول و ارزشهای اعتقادی" طرفداران مصالحه مغایر است و به فضای بدبینی و عدم اعتماد میان "نیروهای سیاسی کشور" و به بیان صریح‌تر میان رژیم و مخالفین آن دامن می‌زند. نمایندگان این مشی در سازمان ما که با خواست تامین حق فعالیت قانونی سازمان آغاز کردند، در عقب‌نشینی پرشتاب خویش به سوی انحلال طلبی به تامین حق فعالیت قانونی افراد عقب‌نشسته‌اند. این عقب‌نشینی‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که از سوی استبداد حاکم بر ایران هنوز حتی یک گام کوچک به سوی مصالحه با مخالفین به جلو برداشته نشده است.

جایگاه آزادی احزاب و فعالیت

قانونی در مبارزه ما

مشی مصالحه در کنگره دوم سازمان مصراحتاً خواستار آن بود که "تلاش برای تامین فعالیت قانونی و هملنی سازمان" جزو اهم وظایف رهبری سازمان باشد. کنگره با این خواست مخالفت کرد، نه بدلیل مخالفت با فعالیت قانونی، بلکه بدلیل آنکه چنین خواستی معنای سیاسی و عملی معینی داشت. فعالیت قانونی برای حزب مخالف استبداد بطور معمول در شرایطی ممکن می‌شود که یادر جامعه تحولی اساسی بسود دموکراسی در جریان باشد و یا احزاب سیاسی به آنچنان عقب‌نشینی و نرمش‌هایی تن دهند که فعالیت قانونی شان از سوی استبداد قابل تحمل شود. از نظر کنگره نه آن تحول اساسی به سود دموکراسی در جامعه و نه آمادگی برای عقب‌نشینی از سوی سازمان وجود داشت.

* * *

تامین حق فعالیت قانونی، هملنی و آزادانه یکی از هدفهای مبارزه سیاسی ما را تشکیل می‌دهد. ما نه تنها برای تامین فعالیت قانونی و آزادانه خود، بلکه برای تامین این حق برای تمام افراد، سازمانها و احزاب سیاسی که یک رژیم دموکراتیک، توأمان رامی‌پذیرند، مبارزه میکنیم. این خواست در برنامه سیاسی ما زیر عنوان "آزادی فعالیت احزاب" بیان می‌شود و در پیکار کنونی ما برای دموکراسی و علیه استبداد جایگاه ویژه و برجسته‌ای دارد. هم‌منطق مبارزه و هم تجارب فراوان بیانگر آن است که چنین هدفی اساساً زمانی امکان پذیر است که استبداد از صحنه کشور برچیده شود. برای پایدار ساختن آزادی احزاب و تامین فعالیت آزادانه و هملنی و قانونی احزاب سیاسی، به‌گونه‌ای که هر زمان در تعرض دستبرد و یورش نیروهای استبدادی نباشد، نه تنها باید قدرت از چنگ استبداد بیرون آید، بلکه باید دموکراسی در جامعه نهادی شود و نیرویی را یاری تعرض به آن نباشد. تا رسیدن به چنین وضعیتی در کشور استبداد زده‌ای چون ایران، راهی دراز در پیش است.

این واقعیت و پیگرد شدید و تقریباً همیشگی احزاب سیاسی در جامعه مایانگرا آن است که تا دستیابی به شرایطی که آزادی احزاب تامین و تضمین شود، احزابی که با استبداد مخالف هستند و مخالفت خود را ابراز می‌کنند، با دشواری‌ها، فشارها و سرکوبگری نیروهای مستبد مواجه‌اند و مجبورند مبارزه برای دموکراسی و از جمله آزادی احزاب را به اشکال مختلف مخفی و غیرقانونی، نیمه هملنی و به ندرت هملنی، که بصورت یک قاعده می‌توان گفت دورانی کوتاه و بدون ثبات دارد، پیش‌بیرند. این واقعیت بسیار روشن مورد بی‌توجهی و انکار طرفداران مشی مصالحه قرار گرفته و این مشی با عقب‌نشینی‌های یکجانبه خود، هرگونه مبارزه علیه استبداد را به جز از طریق هملنی و قانونی زبان آور اعلام

فعالیت افراد به جای فعالیت

احزاب

مشی مصالحه که در کنگره دوم شتابزده و به‌بهای عقب‌نشینی‌های یک‌جانبه در سودای قانونی کردن سازمان تحت حاکمیت استبداد موجود در کشور بود، پس از کنگره از این خواست عقب‌نشست. پایه اساسی توهم فعالیت هملنی نه تنها آمادگی برای نشان دادن نرمش‌آزوسی این مشی، بلکه هم چنین ناشی از یک خوش‌بینی غیراصولی نسبت به لیبرالیزه شدن جمهوری اسلامی بود. اما سرسختی استبدادها را این خوش‌بینی را زایل کرده و این مشی را یک گام دیگر به پس رانده است. این مشی اکنون تلاش خود را به جای تامین فعالیت قانونی سازمان، متوجه تامین فعالیت قانونی افراد کرده است.

* * *

توصیه به ظاهر خیر خواهانه‌ای در خارج از کشور رایج شده، که مهاجرین حق ندارند در مورد فعالیت داخلی کشور تصمیمی بگیرند و اظهار نظری نکنند و باید به فکر مشکل خویش و بازگشت به کشور باشند. این توصیه در زمانی مطرح می‌شود که بخش متشکل و هم چنین رهبری موجود اکثریت قریب به اتفاق احزاب و سازمانهای سیاسی در خارج از کشور هستند و مبارزین داخل کشور نیز به دلیل پیگرد دائم و شدت استبداد، هم‌دا پراکنده و فاقد تمرکز لازم می‌باشند و در وضعیت فعلی خود نمیتوانند فعالیت‌های حزبی سازمان یافته‌ای را دنبال کنند. اجرای چنین توصیه‌ای کمترین نتیجه‌اش این است که اظهار نظر در مورد فعالیت حزبی در کشور را از جمع‌های متشکل سلب و به افراد واگذار کنیم. احزاب سیاسی در مفهوم حزبی و نه در شکل افراد و هواداران پراکنده - که متأسفانه اکثراً به خارج از کشور رانده شده‌اند، نمیتوانند در مورد فعالیت خود در داخل کشور ساکت بمانند. آیا چنین توصیه‌ای بارزترین مظهر انحلال طلبی نیست؟ تردیدی نیست که دوران رهبری به شکل فرماندهی در سازمان ما، بر اثر کوشش‌های طولانی و آنهم نه به‌همت کسانی که تا دیروز خود فرماندهان درجه اول بوده‌اند و امروز توصیه‌هایی می‌کنند که جز انحلال رهبری موجود نتیجه‌ای ندارد، سپری شده است و کسی فرماندهی، از جمله از خارج بر داخل کشور را، نمی‌پذیرد. فعالیت در کشور خود در مورد فعالیت‌شان تصمیم خواهند گرفت. اما این بدان معنا نیست که حق اظهار نظر و رایزگری در مورد فعالیت حزبی در ایران را از گروهی سلب و به گروه دیگری واگذار کنیم. هر فرد سیاسی حق دارد نسبت به چگونگی فعالیت حزبی در کشورش بیندیشد و نسبت به آن اظهار نظر کند. برای یک حزب سیاسی این نه تنها حق، بلکه وظیفه‌ای اساسی است که اگر نفعی شود دیگر دلیلی برای موجودیت آن حزب باقی نمی‌ماند. از مشارکت و هم‌فکری فعالین خارج و مبارزین داخل کشور است که راه روشن خواهد شد. در این میان البته سهم‌ها و نقش‌ها می‌تواند متفاوت باشد.

در زمینه آنچه که یک حزب سیاسی در مورد بازگشت مهاجرین باید بگوید، من اساساً به همان مواضعی اعتقاد دارم که شورای مرکزی پیشین طی بیانیه‌ای اعلام کرد. تا امروز نیز سیاست رسمی سازمان ما بوده است. ما ضمن آنکه باید مشوق بازگشت هرکسی که می‌تواند بازگردد باشیم، اما به عنوان یک سازمان سیاسی وظیفه داریم در این محدوده باقی نمانیم و خواستار آن شویم و برای آن مبارزه کنیم که هملن مهاجرت از کشور برای هموم مهاجرین از بین برود و تضمین‌های ضروری حق آزاده فعالیت سیاسی و داشتن حزب برای همه و از جمله مهاجرین سیاسی فراهم آید. لازم است این نکته را نیز خطاب به کسانی که چنین موضعی را به معنای تعویق بازگشت مهاجرین به محال می‌دانند و حتی شرطی چون تضمین جانی توسط نهادها می‌معتبر را زیاده‌خواهی می‌دانند و فقط خواهان پذیرش حق بازگشت مهاجرین از سوی جمهوری اسلامی هستند خاطر نشان کرد که: دوستان عزیز! به گذشته خود بنگرید، اینگونه احمقانه‌های خطرناک تجای کمی برای ما ببار نیاورده است!

موضوع بازگشت مهاجرین، هر چقدر که به حال مبارزه ضد استبدادی مفید باشد، نمی‌تواند دستاویز فراموش کردن چگونگی فعالیت حزبی در کشور قرار گیرد. ما می‌خواهیم بازگردیم که چه کنیم و آنجا که اکنون در ایران هستند چگونه می‌توانند فعالیت کنند؟ اگر نمی‌خواهیم مبارزه سیاسی را به سطح فعالیت افراد جداگانه تنزل دهیم و وجود احزاب سیاسی را در این مبارزه ضرور می‌دانیم باید تلاش خود را متوجه به این پرسش سازیم، "پاسخ"‌هایی نظیر آنکه شورای مرکزی کنونی و گروه‌های کار جنب آن باقی بمانند و نشریه خود را نیز منتشر کنند، پاسخ به این پرسش نیست. هیچ کس چنین ادعایی ندارد که نه اکنون و نه در

آینده نزدیک شرایط برای فعالیت قانونی ا سیاسی در ایران فراهم خواهد شد. بازگشت از مهاجرین نیز تغییری در این واقعیت نخواهد داشت. حال این پرسش مطرح می‌شود که وقتی فعالیت مجاز، مخالف ارزش‌های اعتقادی و موجب سوء بدبینی بین نیروهای سیاسی کشور باشد، آیا بسیار طبیعی آن این خواهد بود که حق فعالین متشکل

مورد تردید و انکار قرار گیرد و آیا مطابق تفکری نفاذی خلق حق خواهند داشت بطور ه و در بسیاری موارد لاجرم به شکل غیر مجاز ف کنند و سازمان سیاسی خود را داشته باشند به فعالیت‌های فردی و قانونی بسنده کنند و هر خود یک "حزب" باشند؟ نتیجه چنین تفکری به بی‌بها ساختن مبارزه حزبی متشکل و بر ساختن فعالیت‌های "رهبران" و شخصه می‌انجامد. ما هم اکنون در خارج از کشور نیز گرایشی در این زمینه هستیم که بی فعالیت‌های افراد را جای فعالیت‌های حزبی بنشا عدم توجه لازم به فعالیت حزبی جایگزینی مبارزه شخصیت‌ها و افراد به جای در جامعه ما طرفداران زیادی دارد. این شیوه به مبارزه، مکی بر استبدالاتی است که هم‌مد آن این است که در جوامع استبدادی شرقی ف حزبی وجود ندارد، احزاب بی‌خاصیت هستند، شخصیت پرستند و اهداف سیاسی را از طریق ر هملنی بهتر می‌توان متحقق ساخت. بخش هم از نیروهای ملی و لیبرال ایران طرفدار این مبارزه هستند. در میان آنها شخصیت‌ها و نقش بسیار جدی‌تر از احزاب دارند و معمولاً زیر سایه آنها قرار می‌گیرند.

دلایلی واقعی‌تر از استدلالات پیش گفته‌چر سیاسی فوق را به این نوع از فعالیت می‌کشای نیروها مطابق اهدافی که پیش‌روی خود ن نمی‌خواهند سازمانگر اقدامات انقلابی و تو باشند و راه تحولات قانونی از طریق مصالحه و با حکومت‌ها را دنبال می‌کنند. در این مکتب‌ره که زبان گفتگو با قدرتمندان را بشناسند، و از آن برخوردار باشند از احزاب که به سازمانگری ت می‌پردازند کارا تر و مفیدتر هستند، یک سازمانگر، شاخه‌ها و شبکه‌های خود را برای مردم و سازمانگری اقدامات اعتراضی آنها لازم که در مکتب‌نوق جایگاه مهمی ندارد.

فعالیت آزادانه احزاب سیاسی در آیند پیش‌بینی در ایران از شانسی برخوردار نیست فعالیت توسط رهبران و در زیر نام آنها از شان نسبتاً معینی برخوردار است و کسانی خواهان توافق و مصالحه با حکومت می‌توانند به فعالیت قانونی در این چوب‌امیدوار باشند. قدم اول این است شرایط برای بازگشت آنها به ایران فراهم شود مجموعه گفته‌ها و نوشته‌های تکنونی طرفا مشی مصالحه نمی‌توان این نتیجه را گرف مدافعان این مشی یک چنین مدلی از فعالیت را در نظر دارند.

اگر استدلالاتی که در برتری این نوع نسبت به فعالیت سازمان یافته حزبی آورده و واقعی هم باشد، وظیفه ما تسلیم شدن و واقعیت‌ها نیست. تلاش برای جا انداختن و ساختن فرهنگ حزبی و حزبیت و مبارزه رهانیدن مردم از وابستگی به شخصیت افراد، جزئی از مبارزه ما برای برپایی جامعه دموکراتیک است. از نظر دموکراسی درون حزبی نیز مدل‌های بهیچ وجه نمی‌توانند مورد تأیید ما باشند، زیرا اینگونه نهضت‌ها فعالین دارای کمترین نقش در اراده رهبران هستند. خواست‌های رادیکال یک چپ دموکرات در قالب چنین مدل‌هایی نمی‌د این خواست‌های رادیکال، سازمان خاص رامی‌طلبد. سازمانی که در اساس بر پایه تشه توده‌ای و سازمانگر اقدامات اعتراضی و انقلابی، قرار دارد. بحث نوسازی احزاب چپ تا آنجا مفید که متوجه سالم سازی و رفع نقایص یک حزبی باشد، نه اینکه در خدمت انحلال فعالیت ح نگی تشکیل مبارزین و تبدیل آنان به فعالین بی‌سا تابع اراده "رهبران" قرار گیرد.

دو قطعه نامه در کنگره دوم

در کنگره سازمان، دو مشی متفاوت زمینه فعالیت حزبی در داخل کشور در قطعه نامه جداگانه منعکس شد. کنگره به گوناگون قطعه‌نامه‌ای را به تصویب رساند تحت تاثیر پیشنهادها و نظریات طرفداران مصالحه قرار داشت. در این قطعه‌نامه با هر فعالیت مخفی و غیر هملنی مخالفت شد. به ف فدایی توصیه گردید که فعالیت‌های خود ر چهار چوب‌های هملنی و قانونی محدود سازند. در ک قطعه‌نامه دیگری نیز با هدف پیش برد نتیجه در صف

نکاتی کوتاه درباره مقاله ای بلند

آنچه که در زیر می آید، نوشته دوست گرامی آقای دانش اردوان است که چند ماه قبل در پاسخ به مقاله ای که قبل تر در زمینه مسئله ملی در ایران در صفحه دیدگاه ها چاپ شده بود، برای نشریه ارسال داشتند. این نوشتار، اکنون با تاخیر زیاد، از آگاهی خوانندگان گرامی می گذرد. ما ضمن پوزش از ایشان به علت تاخیری که در درج مقاله اشان صورت گرفت، متذکر می شویم که حجم و تعدد مطالب رسیده به نشریه کار از یکسو و ناگزیری ما از اولویت دادن به انتشار مقالاتی که در پیوند با موضوعات روز هستند از سوی دیگر، دلایل اصلی این تعویق بوده است.

* * *

نکاتی که قصد بازگویی آنرا دارم در مورد مقاله ای در کار شماره ۲۱ و ۲۲ به نام "پیرامون حل مسأله ملی و فدرالیسم چگونه می اندیشیم" به قلم دکتر حسن کیان زاد می باشد. بر آن نیستیم که تمامی این مقاله را به نقد بکشیم و تمامی مطالب آنرا مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم بلکه فقط نکاتی را که به نظر خودم برجسته تر (و اشتباه تر) هستند، کمی مورد کنکاش قرار می دهیم. دکتر حسن کیان زاد در این مقاله سیاست قدیمی "ایران یکپارچه" و در واقع "ایرانیک" را در قالب نوئی خواسته اند عنوان کنند. حال ببینیم این مقاله چگونه بر خی برداشته می شود. اشتباه اول با میهن پرستی مخلوط می کند. در همان ستون اول می نویسد "طنز لطیف خیامی جز محصول سلطه جمال خراسان بر جان و مال خلائق می تواند باشد؟" بدنبال این مثال دکتر. مقاله ای متعددی می آورد که یعنی اغلب استعداد های شعری و فلسفی در ایران ناشی از حکومتی ظالم و جابر بوده است!! از این مثالها اینگونه باید نتیجه گرفت که: هر حکومت استبدادی با ظلم خود شاعر و فیلسوف و دانشمند می پرورد. ناچار باید گفت که حکومت جمهوری اسلامی علیرقم بدی هایش یک خوبی دارد و آن اینکه تعداد زیادی متفکر به جامعه ایران هدیه می کند اولی آیا حقیقت این است؟ جواب این سؤال به عهده جناب دکتر کیان زاد است. در ادامه مقاله می خوانیم: "تاریخ سده های گذشته گواه این حقیقت است که آنچه از آن خدایان ادب و سخن سرایان پارسی بجای باقی مانده است نفوذ فراگیر در سرتاسر ایران زمین و در هر شهر و و کوی و خانه ای از ایرانیان داشته است" دقیقاً نمی شود گفت دکتر. در مورد کدام تاریخ سخن می گویند، ولی باید این نکته بدیهی را جوابگو باشند که این نفوذ به چه قیمتی بوده؟ آیا همه به دلخواه خود این "ادب و سخن" را قبول کرده اند و یا بزور شمشیر و این اواخر هم توپ و تفنگ؟ تدریس زبانهای مادری در مدارس ایران انجام نمی گیرد (مثل زبانهای کردی، آذری، بلوچی و...) کودکان در این مناطق قادر به خواندن و نوشتن به زبان مادری خود نیستند ولی زبان فارسی را به خوبی فرا می گیرند، قدرت دولتی نیز پیوسته مراقب است که پدر یا مادر یا معلمی بچه ها را به سوی زبان مادریشان هدایت نکند، بنابراین تعجبی ندارد اگر "ادب و سخن" فارسی نفوذی فراگیر داشته و یا دارد، دکتر. می نویسد: "...با این تفصیل تقسیم مردم ایران به فارس و غیر فارس بر مبنای ذهنیت های معمول گذشته (بوده) ... و سندی ندارد". تأکید از من است - آنجا که در حال حاضر هر کسی دیگری را به کمه اندیشی محکوم می کند، دکتر. هم از فائده عقب نمانده و موضوع ستم ملی را به گذشته ربط می دهند. ولی باید گفت که این موضوع محشی جدید در بین روشنفکران ایرانی است. تاجایی که من می دانم، سرکوب هرنهائی به بهانه "ایران یکپارچه" بیشتر از آن گذشته است تا موضوع حقوق ملیتها.

دکتر. با کوششی فوق العاده در این مقاله سعی می کنند که مردم ایران را مردمی همگون و کاملاً یکسان به حساب آورند و اصطلاح "ستم مضاعف" بکل برای ایشان بیگانه است. شاید بنظر ایشان رنجی که مردم قهرمان کرد برای خود مختاری و آزادی بدوش می کشند فرقی با زندگی مثلا در استان تهران ندارد. دکتر. ادامه می دهند، "انسانها... تاریخ گذشته را آنچنان

که هست می پذیرند با همه زشتی ها و زیبایی هایش" آری، انسانها تاریخ گذشته را می پذیرند ولی کورگورانه به دنبال آن رهسپار نمی شوند. اگر کلی تر بگوئیم: اگر یک "اشتباه" در طول هزاران سال تکرار شده لزومی ندارد ما نیز آن اشتباه را تکرار کنیم. طولانی تر شدن زمان دلیل درست بودن و یا درست تر شدن یک چیزی نمی شود. اگر برتری یک قوم بر سرزمینی به نام ایران سالهای سال دوام داشته، این هرگز اجبار ادامه آن تا ابد نخواهد بود. استاد دکتر. به مسئله کردهای عراق نیز مطلقاً موضوعی را حل نمی کند. ایشان نوشته اند: "...این واقعیت را در آذربایجان شرقی دیدیم و بهنگام یورش و حشیانه صدام حسین پس از پایان جنگ خلیج فارس، به مردم کردستان آنسوی مرزهای ایران زمین مشاهده کردیم که چگونه صدها هزار از هم میمانان آواره و ستم کشیده و دردمند ما... پناهگاه و تکیه گاه واقعی و طبیعی خود را در کجا یافتند؟" بسیار جای تعجب است که دکتر. با این استدلال خواهان سلب حق استقلال یک ملیت باشند. مردم آواره کردستان عراق اولین راهی را که پیش پایشان بود در پیش گرفته و از دست جانیان (کما اینکه عده زیادی از آنها راهی ترکیه شدند) و رود آنها به ایران و پذیرائی گرم مردم مناطق مرزی ایران هیچکدام دلیل عشق و علاقه آنها به "ایرانیک" پیشنهادی شما نخواهد بود. مگر فرار مردم کرد به آن سوی مرز و پذیرائی از آنها از سوی مردم دلیل علاقه به زبان و فرهنگ فارس می تواند باشد؟ مقاله ایشان را ادامه می دهیم "این یک واقعیت آشکار است که کردها در کجاسان باشند و نام هر کشوری بر آنها گذاشته شده باشد، تنها در یک کشور "بیگانه" محسوب نمی شوند و آن یک کشور هم ایران است" واقعاً که ایشان خودشان می برند و خودشان هم می دوزند! آیا شما این فکر را هم کرده اید که همین مردم کرد پیوسته زیر عنوان "ایران" سرکوب شده و به خاک و خون کشیده شده اند؟ چه ضمانتی وجود دارد که حکومت یکپارچه ایرانی شما تاحد پوشش همین شعار به قتل و سرکوبی این خلق ستم کشیده ادامه ندهد؟ دکتر. با اشاره به نظرات دکتر فریدون (آذربایجانی) و آقای شیرزاد سنجی (کرد) نتیجه میگیرند که زبان فارسی زبان تحمیلی نبوده بلکه همه آن را به دلخواه یاد گرفته اند و: "اما از ب، لا وین و دیگر هم میمانان کرد ما که خود با چیرگی به زبان فارسی به این شیوایی می نگارند و فارسی را هم به مانند زبان کردی خیلی خوب سخن می گویند نمی توان انتظار داشت که بگویند زبان فارسی را با زور و بدون علاقه و تمایل شخصی فرا گرفته اند" اصولاً درک دکتر. از "زور" و فشار و جبر درک قطعی است. ب، لا وین، من (که آذربایجانی هستم) و دیگران را یکشنبه و ادا نکرده اند که فارسی یاد بگیریم این ستم ملی نتیجه پروسه ای طولانی بوده و محصول چندین سال است. این ستم از سرکوب خونین مردم کرد گرفته تا "چوک" درست کردن برای آذری ها در طول سالهای زیاد جا افتاده است. بنده شخصاً خاطرات زیادی از تبعیحات در مدرسه به خاطر آذری حرف زدن در ذهن دارم و به این دلیل است که می توانم به زبان فارسی بنویسم. استاد همیز دکتر حسن کیان زاد! اگر شما نیز همچون ما به خاطر حرف زدن به زبان مادریتان تنبیه شده بودید بعید بود که اینچنین به دفاع از فارس و زبان فارسی برخیزید.

یکی از نتایجی که دکتر. از مقاله خود می گیرند چنین است "ما بر این باوریم که حق تعیین سرنوشت حقی است کلی و همومی، تجزیه و خدشه ناپذیر و مربوط به همه مردم ایران و در محدوده کل جغرافیائی میمن ما، بر این اساس این حق، یعنی "بیان اراده آزاده مردم ایران" برای همه قومیت های ایرانی و در سراسر ایران زمین یکسان بوده و نمی توان برای مردم بخشی از کشور ایران امتیاز و یا برتری ویژه ای قائل شد" تکیه از من است. ایشان به این نکته ظریف توجه نکرده اند که خود ایشان با تقدیم اجباری زبان و فرهنگ فارسی به "قومیت های ایرانی" امتیاز و برتری ویژه ای را به یک قوم اهدا می کنند. حمله قلمی شما به حرکت های آزادی بخش در آذربایجان و کردستان نیز ناشی از پان ایرانیسم قدیمی و از مد افتاده است. دکتر. آذربایجان و کردستان را متهم میکند که از خارج کمک می گرفتند.

تمام انقلابات از منبعی تغذیه می شدند مردم

معرفی کتاب:

'جابجایی در قدرت'

سومین کتاب الوین تافلر با نام 'جابجایی در قدرت دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم' که در سال ۱۹۹۰ منتشر گردید توسط خانم شهیندخت خوارزمی در ۲ جلد "جلد اول اقتصاد و جلد دوم سیاست" در ۸۳۳ صفحه ترجمه گردیده است. اگر "شوگ آینده" اولین کتاب الوین تافلر در ایران مورد توجه قرار نگرفت برعکس دومین کتاب وی "موج سوم" اگرچه دیر، اما مورد استقبال بی سابقه کتاب خوانان و روشنفکران ایرانی واقع شد. کتاب "موج سوم" بویژه برای روشنفکران چپ در شرایطی که تحولات عظیمی در اردوگاه به اصطلاح سوسیالیستی رخ می داد و تفکر کلیشه ای سابق از هر طرف مورد هجوم واقع می شد و حصارهای اندیشه های منجمد در حال فرو ریختن بود به عنوان کتابی که دارای وسعت نظر گسترده واز داده های علمی فراوانی برخوردار بود مورد توجه قرار گرفت و اندیشه های یک بعدی را در جهت همه جانبه نگری کمک نمود.

اکنون ۱۰ سال پس از نوشتن "موج سوم"، "جابجایی در قدرت" منتشر می شود و خوشبختانه در مدت زمانی کوتاه توسط خانم خوارزمی مترجم خوب به دوستان آن کتاب عرضه می گردد. الوین تافلر درباره این کتاب می گوید: "این کتاب سومین و آخرین کتاب از مجموعه ای ۳ جلدی است که با شوک آینده آغاز شد و با موج سوم ادامه یافت و اکنون با جابجایی در قدرت به پایان می رسد. کدام از این کتابها را می توان به صورت یک کار مستقل مطالعه کرد اما هر سه به اتفاق مجموعه روشنفکری هماهنگی را تشکیل می دهند که موضوع اصلی آنها تغییر است" شوک آینده به فرایند تغییر نگاه می کند اینکه چگونه تغییر بر مردم و سازمانها تاثیر می گذارد. موج سوم بر جهت های تغییر تمرکز دارد. اینکه تغییرات کنونی ما را به کجا می کشاند، جابجایی در قدرت با کنترل تغییراتی که هنوز در پیش است سروکار دارد و اینکه چه کسی آنها را شکل خواهد داد و چگونه.

نویسنده در سراسر کتاب سعی دارد اهمیت محوری قدرت را تبیین کند و نشان دهد که چگونه هادی منبع مالی برای اداره یک جنگ آزادی بخش را در اختیار ندارند. ولی دولت مرکزی (و ایرانی!) شما با برخورداری از منابع مالی و پشتیبانی دول خارجی هرگونه حرکتی را در خون فرو می کند. پس عجیب نیست اگر این دو حرکت از خارج کمک گرفته اند.

مشکل دیگر این است که شما هیچ توضیحی در مورد راه چاره این نوع به قول شما (فجایع) و به قول من "قیامها" نداده اید. اگر حکومت دلخواه شما بر سر کار باشد، چگونه با این جنبشها برخورد خواهد کرد؟ همان کار شاه و خمینی را تکرار خواهد کرد؟ یا حق صدر صد تعیین سرنوشت آنها را به رسمیت خواهد شناخت؟

در مورد فدرالیسم آلمانی و امریکائی ارائه شده توسط شما نیز توضیح مختصری لازم است. در آلمان این فدرالیسم نبود که اقتصاد آلمان را شکوفا کرد بلکه سرمایه داری شکست خورده آلمان برای مقابله با

عناصر سه گانه آن - زور، پول، دانایی - در حیات اقتصادی و سیاسی بشر نقش داشته اند هر چند در طول تاریخ اهمیت آنها دگرگون شده است. در مورد جابجایی در قدرت دو مفهوم جداگانه قائل است. مفهوم نخست را جابجایی قدرت از جایی به جایی دیگر می داند که نمونه های آن جابجایی قدرت از شخصی به شخص دیگر، از کشوری به کشور دیگر یا از سیاست به اقتصاد، از مدیران اجرایی به کارکنان فکری، از ابرقدرتها به سازمانهای جهانی و امثال آن است. اما مفهوم دوم را جابجایی در مفهوم قدرت می داند به بیان دیگر آن را تغییر اهمیت عناصر ۳ گانه در بازی های قدرت تعریف می کند و می گوید اگر در اعصار گذشته به ترتیب زور و پول ابزار اصلی قدرت بودند اکنون دانایی است که مهمترین ابزار قدرت را تشکیل میدهد. و این جابجایی است که تحولات جهان معاصر بر حول آن در حال شکل گیری است.

جابجایی در قدرت شامل ۶ بخش است ۴ بخش اول در مورد جابجایی قدرت در کسب و کار یعنی در حوزه اقتصاد کدو کاو میکند و ۲ بخش آخر به جابجایی قدرت در سیاست می پردازد. برای نوشتن کتاب جابجایی در قدرت حدود ۵۰۰ کتاب طرف مشورت نویسنده قرار گرفته صدها مصاحبه با روسای هر مجای قدرت نظیر بوش - گورباچف، ریگان، نخست وزیران ژاپن، مدیران شرکت های بزرگ و... صورت گرفته ضمن آنکه پایه های هرم قدرت یعنی مردم از طریقهای گوناگون از مدنظر نویسنده بدور نمانده است.

الوین تافلر می نویسد "در توصیف تغییرات شتابنده امروزی، رسانه ها اطلاعاتی درهم و برهم درست مثل نشانه های روی رادار به سوی ما پرتاب می کنند، کارشناسان ما را در زیر خروارها تک نگاره های تخصصی کوتاه نظرانه مدفون می کنند، پیشگویان توده پسند، فهرستی از روندهای بدون ارتباط با هم ارائه می دهند بدون هیچ مدلی که بهم پیوستگی ها یا نیروهای زا به ما نشان دهد که احتمالاً این روندها را معکوس می کند، در نتیجه، خود تغییر در نظر ما نوعی هرج و مرج،

و حتی حرکتی جنون آمیز جلوه نماید" و مدعی است "برعکس، این سه کتاب با این پیش فرض شروع می کند که تغییرات شتابان کنونی به رقم آنکه ما باورمان شده است که بی نظم یا تصادفی اند چنین نیستند و در پس عناوین رویدادهای تنها الگوهای مشخص، بلکه نیروهای قابل شناسایی وجود دارند که آنها را شکل می دهد. به محض اینکه ما این الگوها و نیروها را درک کنیم می توانیم به شیوه ای راهبردی، نه بطور اتفاقی، و به صورت یک مجموعه، نه بر مبنای مورد به مورد با آنها رویارو شویم."

البته الوین تافلر مدعی اینکه تمام راههای آینده را مورد شناسایی قرار داده نیست و در این باره می نویسد "چندان نیازی نیست که بگوئیم آینده "شناختنی" به معنای "پیش بینی دقیق" نیست. هستی مملو از شگفتیهای سور رئالیستی است حتی مدل ها و داده هایی که به نظر "سخت ترین" می رسند اغلب بر فرضیه های "نرم" بنا شده اند، بویژه آنجا که با امور انسانی سروکار پیدا می کنند. افزون بر آن خود موضوع این کتابها - یعنی تغییر شتابان - جزئیات و اطلاعات تفصیلی آنها را در معرض منسوخ شدن قرار می دهد، آمار تغییر میکند تکنولوژیهای تازه، تکنولوژی های قدیمی را تکمیل می کنند، رهبران سیاسی می آیند و می روند با اینهمه، همان طور که ما در سرنوشت کشف نشده فردا به پیش می رویم همراه داشتن نقشه ای کلی و ناقص، حتی اگر همواره در معرض اصلاح و تغییر هم باشد بر مراتب بهتر از آن است که بدون هیچ نقشه ای در این راه گام نهمیم"

کلام آخر اینکه کتاب جابجایی در قدرت مانند موج سوم راههای تازه، سؤالاتی جدید و فرضیه های گوناگون را طرح می کند. اطلاعات گسترده ای در زمینه های مختلف در اختیار خواننده می گذارد. مطالعه این اثر برای آثائیکه خودشان را از محاصره اندیشه های یک بعدی رهانیده اند چشم انداز وسیع تری برای فکر کردن ایجاد می کند و سؤالات بزرگی را فراروی آدمی قرار می دهد. جواهری

یادداشت اقتصادی اجتماعی

حساب هزینه ها به دلار،

پرداخت حقوق ها به ریال

قیمت ۴۸۷ قلم دارو ۲ تا ۵ برابر افزایش یافته است. معاون امور دارویی و غذایی وزارت بهداشت در توجیه این اقدام اظهار داشت که با وجود این افزایش، قیمت‌های فعلی معادل یک پنجم تا یک دهم قیمت دارو در سایر کشورها می‌باشد. او بعنوان مثال قیمت قلمی یکعدد آمپول ب کمپلکس را ذکر کرد (۸۵ ریال) و گفت این دارو در هریستان مبلغ ۱۰۱۲ ریال قابل تهیه می‌باشد. بگفته او در مقایسه با کشورهای اروپایی، این اختلاف به مراتب افزون تر است.

این توجیه چندین بار است که توسط مقامات حکومتی انجام می‌گیرد. در طی چند سال اخیر سازمانها و وزارتخانه‌های دولتی در بالا بردن قیمت کالاها و خدمات مسابقه گذاشته و دست بخش خصوصی را از پشت بسته اند، وزارت پست و مخابرات که پرچمدار گرانی شده است تاکنون بارها قیمت خدمات در ایران را با کشورهای اروپایی مقایسه کرده و نتیجه گرفته است که این گونه خدمات در کشور ما هنوز ارزاتر از جای دیگر است. اخیرا رفسنجانی نیز گفت که قیمت نفت و انرژی در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر اندر از آن است که حتی قیمت بنزین و مواد سوختی از هزینه حمل آن نیز کمتر است و دلیل او هم خرید بنزین در مناطق مرزی شرب ایران به قیمت هر لیتر ۹۰ تومان بوده است.

مسئولین حکومتی در توجیه افزایش بی سابقه کالاها و خدمات دولتی به فریب کاری دست می زنند. آنها فقط قیمت‌ها را با دیگر کشورها و از جمله کشورهای اروپایی ستایش میکنند و آنهم با نرخ ارز در بازار آزاد. طبعاً این مقایسه بخاطر اینکه یک طرفه به قاضی می‌روند بی‌وزن می‌گردند. در کشورهای اروپایی قیمت دارو و خدماتی نظیر پست و تلفن گران تر است ولی در مقایسه با چه چیزی؟ اگر فقط رابطه ساده بین قیمت‌ها در کشورهای اروپایی با حساب نرخ ارز در بازار آزاد ایران بر قرار شود، دلیل مسئولین حکومتی موجه است. ولی این فریب کاری محض است. این مقایسه زمانی واقعی خواهد بود که با در آمد سرانه و یا سایر شاخص‌ها از جمله دستمزدها در نظر گرفته شود. بطور مثال میتوان قیمت بنزین را که رفسنجانی مطرح میکند در آلمان در نظر گرفت. در آلمان حداقل دستمزد برای هر ساعت ۱۵ مارک (بفیراز کار سیاه) یعنی به نرخ آزاد ارز معادل ۱۳۵۰ تومان است. قیمت بنزین (با وجود اینکه دولت آلمان سال قبل ۳۰ فیثیک برای تامین هزینه های دولت بعنوان مالیات برای هر لیتر بالا برد) حدود ۱/۵ - ۱/۳ مارک است. یعنی قیمت هر لیتر بنزین معادل کار ۴ تا ۵ دقیقه یک کارگر ساده با حداقل دستمزد است. در کشور ما حداقل دستمزد ماهیانه ۵۰۰ تومان است یک کارگر ساده برای خرید

ریخت و پاش‌ها و فربه شدن‌ها بخاطر ریخت و پاش‌ها، تجمل گرایی‌ها نظیر دکوراسیون‌ها، سازیه‌ها، مهمان داری‌ها، مسافرت‌های غیر ضروری خارج از کشور و ارتشاه و سو مدیریتها هزینه‌های سازمان‌های اداری کشور مرتباً در حال افزایش است. رژیم اسلامی با بالا بردن قیمت کالاها و خدمات دولتی میخواهد این هزینه‌ها را از جیب مردم تامین کند. ریخت و پاش‌ها و فربه شدن‌ها به قیمت فقر و فلاکت هر چه بیشتر اکثریت مردم کشور ما انجام می‌گیرد. سران حکومت بجای مبارزه قاطع با این ناهنجاریها، به توجیه افزایش قیمت کالاها و خدمات از طریق مقایسه با سایر کشورهای اروپایی پرداختند.

باشتراک کار ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

دانمارک آری، اتحادنه

مردم دانمارک در یک همه‌پرسی عمومی، قرارداد ماستریخت مبنی بر وحدت پاره‌ای از کشورهای اروپایی را رد کردند. دوهفته پیش کمتر کسی فکر می‌کرد که اکثریت ملت چهار میلیونی دانمارک باین وحدت مخالفت کنند. تمام تبلیغات به نفع وحدت و ضدتبعیسی بود. سیاستمداران و اقتصاددانان می‌پریدند و می‌دوختند و رای مثبت را به تن دانمارکی‌ها می‌پوشاندند. ولی نظرخواهی دانمارک همه را شگفت زده کرد. ۵۰/۷ درصد دانمارکی‌ها به وحدت نه گفتند. مخالفین وحدت بیش از همه جوانان، زنان و سوسیال دموکرات‌ها بودند. مارگارت تاچر از دانمارکی‌ها سپاسگزار کرد و خواهان آن شد که در بریتانیای کبیر نیز همه پرسوی صورت گیرد. رای دانمارکی‌ها این امکان را بیاد آورد که مردم ایرلند نیز در انتخابات روز ۱۸ ژوئن با وحدت سیاسی، اقتصادی و پولی مزبور مخالفت نمایند. حتی میتران نیز به فکر افتاده است که نظر مردم نروژ را پیرامون وحدت جویا شود. ولی امیدوار است که اکثریت قاطعی از فرانسوی‌ها به تصمیم ماستریخت رای مثبت خواهند داد. متخصصین بر این نظرند که وحدت طرح‌ریزی شده در

ماستریخت تنها با شرکت هر ۱۲ کشور امضاکننده قرارداد امکان پذیر است و باکناره‌گیری حتی یک کشور از این وحدت، تمامی روند طی شده باید مجدداً تکرار شود. دانمارک هلیرقم مخالفت با وحدت، گماکان عضو بازار مشترک می‌باشد. اما این امر نیز از جمله مسائل مورد بحث است. متخصصین ۴ راه حل مختلف برای مسئله پیش‌آمده ارائه می‌دهند: ۱ - تغییر قرارداد ماستریخت، به گونه‌ای که باب میل دانمارکی‌ها نیز باشد. ۲ - توافق بازار مشترک بر سر قرارداد ماستریخت ۲ که امکان وحدت کمتر از ۱۲ کشور را نیز امکان پذیر کند. ۳ - قبول دانمارک به عنوان استثنا در چارچوب قرارداد ماستریخت ۴ - جدایی داوطلبانه دانمارک از بازار مشترک و شرکت در اتحادیه حاصل از یکی شدن بازار مشترک و QEFTA (اتحادیه اقتصادی کشورهای اسکاندیناوی) اما گذشته از راه‌حلی که اتخاذ خواهد شد مخالفت دانمارکیها بر جای خواهد ماند. در یک نظرخواهی تلفنی توسط یکی از کانال‌های تلویزیونی آلمان ۸۱ درصد از ۷۰ هزار نظردهنده مخالف وحدت طرح‌ریزی شده در ماستریخت بودند.

نژادپرستان فرانسوی

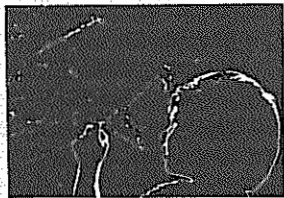
بقیه از صفحه ۱۱
مرکزی FN است. دبیر این شرکت نیز از اعضاء قبلی "حزب مردم فرانسه" که در لژیون داوطلبان فرانسوی علیه بلشویسم در دوران اشغال فرانسه خدمت میکردند است. حزب FN برای ایجاد رابطه برای نفوذ در میدان اقتصادی و یافتن شرکای لازم بواسطه بدنامی خود با موانع بسیار روبرو است. این عامل همیشه مانعی برای گسترش حزب از محدوده مشخص خود بوده است. در مورد منابع مالی FN لوپن بسیار کم گفته میشود! او رسماً پشتوانه مالی حزب را کبک متواضعانه اعضاء و هواداران آن اعلام میدارد. در رابطه با این توافق تنها کافی است اشاره شود که محل مسکونی فعلی لوپن قصر و زمین بزرگی است که در بهترین منطقه پاریس واقع شده و به همراه میلیون‌ها فرانک از رئیس سیمان "لامبر" به ارث برده است.

امروز این حزب به عنوان یک نیروی قابل ملاحظه در حیات سیاسی فرانسه نقش بازی می‌کند و موضعگیری‌هایش در همه مسائل سیاسی و اجتماعی روز در رسانه‌های خبری و تلویزیونی مطرح می‌شود. اگرچه در کنگره این حزب که در ۱۹۹۰ در شهر نیس تشکیل شد، ۶۴ درصد نمایندگان FN اعتراف کردند که ترجیحاً به رژیم از نوع موناشری یا دیکتاتوری به رهبری لوپن رای می‌دهند، اما در حال حاضر لوپن به آراء مردم برای رسیدن به قدرت نیاز دارد. از این رو مبارزه‌اش را با روش سیاسی و با استفاده از امرم‌های دموکراتیک پیش می‌برد و در این راه از روش‌های جنجال برانگیز برای طرح خود در جامعه بهره می‌گیرد. آیا می‌توان از رشد فاشیسم نگران نشد؟

آیا زمین امکان بقا خواهد داشت؟

بقیه از صفحه ۱۰

بیماری چنین خواهد کرد. از هم‌اکنون، علائم هشداردهنده پدیدار شده است. در فاصله ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹، تولید سرانه مواد غذایی در ۹۴ کشور کاهش یافته است. در بسیاری از مناطق، از حجم محصولات کشاورزی به هلت آلودگی هوا و زمین، کاسته شده است. در سال ۱۹۹۰ برای نخستین بار در تاریخ بشر، آهنگ رشد جمعیت به حدی است که در حال برهم‌زدن نظام طبیعت است. مشکلات راجح نمی‌کند. کشورهای ثروتمند که تنها ۲۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، ۷۰ درصد انرژی دنیا، ۷۵ درصد فلزات و ۸۵ درصد چوب جهان را مصرف میکنند. یک کودک فریبی ۱۲۵ برابر یک کودک جهان سومی مصرف دارد. بنابراین، اگر هم جمعیت جهان سوم کنترل شود، عوامل اصلی نابودی منابع طبیعی پابرجا خواهند ماند.



کاهش تنوع طبیعی حدود ۱/۴ میلیون نوع موجود زنده شناخته شده‌اند. دانشمندان، تعداد انواع شناخته شده را که بویژه در مناطق دوردست و صعب‌العبوری مانند جنگل‌های استوایی زندگی می‌کنند، بین ۱۰ تا ۸۰ میلیون تخمین می‌زنند. اما انتظار می‌رود بسیاری از آنها قبل از آنکه علم فرصت اکتشافشان را بیابد، از میان بروند. در هر سال، حدود ۱/۶ میلیون هکتار جنگل از میان می‌رود. هر روز بین ۵۰ تا ۱۰۰ نوع موجود زنده، ریشه‌کن می‌شوند. آیا تنها کنترل جمعیت، مشکلات را حل میکند؟ بدون تردید، افزایش کنترل

چند گام به پس؟

بقیه از صفحه ۶

تقطعه‌نامه از فعالین نمیخواهد که اقدامات خود را به چهار چوب‌های محدود سازند که به جوی اتمادی و سواظن اپوزیسیون و توده مردم نسبت به رژیم دامن نزنند، بلکه از آنها می‌خواهد که فعالیت‌های خود را در راستای مشی عمومی سازمان یعنی پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی پیش ببرند که یکی از عناصر آن آگاه گرداندن مردم نسبت به اهداف و سیاستهای واقعی رژیم و جلوگیری از ایجاد توهم و خوش بینی نسبت به استبداد حاکم است. یعنی در ست نقطه مقابل آنچه که سیاست مصالحه پیشنهاد می‌کند.

پیشنهادهای قطعه‌نامه در هرصه مربوط به مناسبات میان فعالین فدایی از اعتقاد آن به حفظ سازمان و تشکل فدائیان ناشی می‌شود و با توجه به شرایط فعلی و امکانات هنوز گسترده رژیم در سرکوب و پیگرد سازمان‌های سیاسی به جای "تشکیلات انقلابیون حرفه‌ای" استفاده از اشکال محدود، طبیعی و غیرمتمرکز رابطه، با تعهد متقابل بین فعالین توصیه می‌شود. این تعهد می‌تواند سطوح مختلف رابطه و در نتیجه اشکال متفاوتی از سازماندهی را شامل شود. تعهد متقابل و داوطلبانه میان فعالین به مناسبات میان آنان تحریک می‌بخشد و می‌تواند از تعهدات ابتدایی و صرفاً اخلاقی و اعلام نشده میان اعضای یک محفل ساده تا سطوح بالاتری از تعهد که مبارزین در یک گروه پنهانی بطور آگاهانه برای حفظ خود و تشکیلات خود در برابر پلیس به یکدیگر می‌سپارند را شامل شود. در فضای ولنگاری و بی‌مسئولیتی که اکنون به وجود آمده است تاکید بر تعهد متقابل میان مبارزین تاکید بر اصول اخلاقی و امنیتی یک مبارزه دسته جمعی است.

مباحث و نظرات طرح شده از سوی طرفداران مشی مصالحه در چند ماهه اخیر نشانگر آن است که هواداران این مشی نوسازی جنبش‌چپ و رفع اشتباهات آن را مدنظر قرار نداده‌اند، بلکه انحلال آن در جنبش‌لیبرالی را تعقیب می‌کنند. متأسفانه لیبرالسم مورد دفاع آنها بسیار محافظه‌کارانه‌تر از جریان اصلی و سنتی لیبرالسم چه در ایران و چه در خارج و گام‌ها عقب‌تر از آن است. زیرا این نیرو که هلنی شدن به هر قیمت را در سر لوحه برنامه خود قرار داده است مجبور است به خاطر جبران گذشته رادیکال خود، به خاطر پیشینه خود در مخالفت پیگیر با کلیت رژیم و برای ایجاد امکانات و زمینه‌های بازگشت به کشور و فعالیت محاز و یا نیجه‌مجاز در آنجا، بسیار محافظه‌کارانه‌تر از لیبرالسم سنتی عمل کند و به عقب نشینی‌های بسیار خطرناک از مواضع دموکراتیک دست بزند تا جادایی از گذشته رادیکال خود را به اثبات برساند.

سیاسی‌کنگره ارایه شد، که هر چند در تهیه آن شتابزدگی وجود داشت، اما مرزبندی روشنی با نظرات انحلال طلبانه داشت. این قطعه‌نامه تاکنون انتشار بیرونی نیافته و اینک متن آن: "تطلع نامه در باره هر صه‌ها و اشکال فعالیت در داخل کشور، در شرایط ناتوانی رژیم در تداوم استبداد خشن و فراگیر، امکانات تازه‌تری برای گسترش فعالیت فدائیان خلق در راستای مشی عمومی سازمان فراهم آمده و می‌آید. براین پایه کنگره دوم سازمان به فعالین فدایی در داخل کشور توصیه می‌کند:

- ۱- در اشکال گوناگون، تلاش خود را در جهت شکل‌گیری تشکل‌های توده‌ای، به ویژه تشکل کارورزان یدی و فکری متمرکز سازند.
- ۲- با حضور موثر در نهضت روشنگری، در راستای ترویج افکار ترقی‌خواهانه بکوشند.
- ۳- فعالیت‌های مشترک خود را که بر اساس تعهد متقابل میان فعالین سازمان می‌یابد، بر مناسبات محدود، طبیعی و غیرمتمرکز متکی سازند.
- ۴- از اشکال و سطوحی از فعالیت که لازمه نتیجه آن گزینش زندگی مخفی است، پرهیز نمایند. کنگره، فدائیان خلق در خارج از کشور را موظف می‌سازد که همه امکانات خویش را در جهت کمک رسانی به فعالین داخل به کار گیرند."

قطعه‌نامه فوق با اعتقاد بدین موضوع که سازمانگری فعالیت حزبی یک امر مشخص است و یک حزب سیاسی به جای مطلق سازی این یا آن شیوه مبارزه و نوع تشکل، باید شرایط مشخصی که مبارزه در آن جریان دارد را مورد توجه قرار دهد، ارزیابی معینی از این شرایط ارایه داد. مطابق این ارزیابی رژیم در تداوم استبداد خشن و فراگیر ناتوان میشود و امکانات تازه‌تر و بیشتری برای گسترش فعالیت حزبی و متشکل در جامعه فراهم می‌آید. برپایه این ارزیابی، قطعه‌نامه به فعالین فدایی در داخل کشور توصیه کرد که تلاش خود را در جهت ایجاد تشکل‌های توده‌ای (قبل از همه تشکل‌های کارورزان یدی و فکری) و حضور موثر در نهضت روشنگری تشدید کنند.

حوادث چند ماهه پس از کنگره، درستی این ارزیابی را تایید کرده است. رژیم بیش از پیش در ادامه استبداد فراگیر با ناتوانی و دشواری مواجه شده و امکانات هر دم تازه‌تری برای فعالیت‌های صغی، فرهنگی، روشنگرانه و سیاسی فراهم آمده است. اکنون همه با شدت و ضعف - از فضای در حال تغییر در جامعه سخن می‌گویند، گروهی از این واقعیت چنین نتیجه می‌گیرند که این تحولات امکان سازش و مصالحه با رژیم را بیشتر کرده، اما قطعه‌نامه می‌گوید فعالیت فدایی را متوجه این نکته سازد که از این تحولات در راستای تشدید فعالیت سازمانگرانه و آگاهگرانه استفاده کنند.

باخوانندگان

کشور باشد، نیاز است. در انتظار همکاری شما دوست گرامی هستیم.

دوست عزیز وهاب از اطریش با سلام‌های متقابل، مطلب ارسال شما راجع به لزوم موضوع گیری در قبال تحولات افغانستان و ترجمه‌ای که نشانگر دیدگاه برخی از محافل غربی نسبت به تحولات سیاسی و اقتصادی ایران است را دریافت کردیم.

در رابطه با تحولات افغانستان، شورای مرکزی سازمان با صدور به موقع اعلامیه، نشریه کار در نوشتارهای متعدد خود، از موضع ضرور سخن گفته‌اند و باز هم سخن خواهد رفت.

از ترجمه ارسال‌تان که حاوی نکات جالبی است، در مطالب نشریه استفاده خواهد شد. از شما به خاطر هلاقمندی و احساس مسئولیت نسبت به ارتقای کار نشریه سپاسگزاریم.

مکار عزیز آقای اندیشه از آلمان با سلام‌های متقابل، مطلب بدون عنوان شما راجع به وضع عمومی در کشور و استنتاج مرکزی نیروهای مترقی از آن را دریافت کرده‌ایم. در فرصت مقتضی از آن استفاده خواهد شد. منتظر کارهای دیگر شما هستیم.

دوست گرامی آقای شاهرخ با تشکر از ابراز لطف شما، دو مطلب ارسال شما با عنوان "وضع سیاسی کشور و سمت تحولات آن" و "مبارزه برای فعالیت قانونی خواست فوری ماست!" را دریافت کرده‌ایم. کوشش ما آن است که در شماره‌های بعدی نشریه، بخش‌هایی از مطالب ارسال شما را منعکس کنیم.

نوشته‌های دیگر شما هستیم. *مدتی پیش، از دوست عزیز آقای هلی لاریمی نامه‌ای انتقادی نسبت به مضمون و شکل مقاله "تحول دیگر باید" که در شماره ۲۸ درج شده بود، دریافت کردیم. در بخشی از این نامه آمده است: "این مقاله بدرستی ضمن برآمدن انگیزه‌های نیروهای سلطنت طلب برای نفی مبارزه مردم جهت دستیابی به آزادی و عدالت، و اشاره به اینکه ظهور و عروج خمینی ریشه در ۵۰ سال نظام دیکتاتوری سلطنتی در ایران داشت... نتیجه می‌گیرد که چون رژیم دیکتاتوری شاه تلاش اصلاح طلبانه مردم را عقیم می‌کرد مردم هیچ راهی جز توسل به انقلاب جلوی راه خود نداشتند و لابد رژیم جمهوری اسلامی را که رژیم صدها بار دیکتاتورتر است را باید با انقلابی قاطع تر سرنگون کرد (برکنار نمود) تا اصالت مبارزه مردم با بالارفتن قاطعیت و فطرت انقلاب بیشتر تامین گردد و ولاداد همین زاویه در قسمت پایانی مقاله به بسیاری از پوزیسیون دمکرات و از جمله اقلیتی در سازمان مالتب هومفریبانی که مردم را از پای نماندن در این راه منع می‌کنند، داده می‌شود."

نامه آقای لاریمی در ادامه با انتقاد از "دید ساده‌نگرانه و یک بعدی مقاله" نتیجه می‌گیرد که "برخورد سیاسی چنین هجولانه که بیشتر میل دارد رافع تکلیف و اقدام سیاسی کند در شرایطی که

با آنکه چهار سال پس از نوروز سال ۱۳۷۱ را پشت سر گذاشته‌ایم، اما لازم میدانیم تا یک بار دیگر از همه دوستان ارجمندی که لطف کرده و برای نشریه کار کارت تبریک فرستاده بودند تشکر کنیم، ما در دومین شماره نشریه کار در سال جدید، از تمام هموطنان به خاطر ابراز همدلی‌شان به مناسبت فرا رسیدن سال نو سپاسگزار می‌کنیم. اما ادامه ارسال کارت تبریک هلاکه ما برخی از آنها را حتی در اواخر از دیماه ماه دریافت کردیم، ما را بر آن میدارد تا باز هم گرم‌ترین سپاس‌های خود را به تمام عزیزان که در یاد هموطنان مسند تقدیم بداریم، با شادباش به همه این دوستان، امید که سال ۷۱، سال همدلی بیشتر نیروهای ترقیخواه میهنمان باشد.

دوست گرامی آقای محمدان کانادا با درودهای متقابل و سپاس بخاطر مطالب ارسال، به اطلاعاتتان میرسانیم که ما در اولین فرصت قسمت‌هایی از نوشته‌های شما را در ستون از میان نامه خوانندگان درج خواهیم کرد. تقاضای ما از شما این است که مطالب ارسال‌تان را به شکل تمام شده برای ما بفرستید. درج مطالبی که نویسنده مقاله، ادامه آن را به بعد موکول می‌کند برای ما حاوی اشکالاتی است. از دور دست شما راهی فشاریم.

همکار گرامی آقای پساینده از آلمان از شما به خاطر ارسال نوشته‌تان و سروده‌تان که به همراه آن بود، متشکریم. سعی خواهیم کرد تا در فرصت مقتضی از آنها استفاده شود. با ارسال مطالب کوتاه، به همکاری‌تان با نشریه کار ادامه بدهید.

از بابت کاریکاتوری هم که برای ما فرستاده بودید، متشکریم. ما از این نوع کاریکاتورها در صورت تقویت جنبه‌های مضمونی، استقبال خواهیم کرد.

دوست عزیز آقای امیر از اسپالاسوئد از توجه مستمر شما به نشریه کار جهت فنا بخشیدن به آن ممنونیم. طرح ارسال شما را دریافت کردیم. در انتظار آیم که نشریه از توانایی‌های شما هر چه بیشتر بهره‌مند شود.

دوست گرامی آقای احسان از دانهارک نامه شمارا چندی پیش دریافت کردیم. از بابت احساس مسئولیت‌تان نسبت به توزیع نشریه سپاسگزاریم. اشاره شما به دشواری‌هایی را که همه ما با آن مواجهیم و نیز انتقادهای شما به کمبودهایی که در کار نشریه است، به ما می‌دانیم، کوشش ما این است که بتوانیم در همین شرایط دشوار، به همت همه دوستان راه دور و نزدیک از اشکالات بکاهیم و در همه زمینه‌های فعالیت نشریه از جمله در توزیع وسیع، منظم و سریع آن چاره‌جویی کنیم.

از بابت مطلب ارسال‌تان درباره افغانستان متشکریم. مسلماً تصدیق میکند که اوضاع در این کشور با شتاب زیاد تغییر کرده و لذا به نوشته‌های جدیدی که توضیح‌دهنده وضع کنونی و بیانگر چشم‌انداز تحولات در این

در انتظار همکاری شما هستیم

یاری‌گرایان است که: از ارسال هیچ قطعه عکس، پوستر و یا طرحی که نشان‌دهنده عملکرد سازمان در طول حیات آن و یا عکسی از شهیدان سازمان است، دریغ نشود.

در نحوه ارسال عکس، طرح، نقشه و کاریکاتور دقت به همل آید که مواد ارسال سالم بدست ما برسد.

مبلی که مورد ارسال از آن تامین و یا استخراج شده است، ذکر گردد.

تاریخ و توضیح مختصری درباره هر مورد ارسال داده شود.

پیشاپیش از یاری و همکاری شما دوستان گرامی سپاسگزاریم.

خوانندگان گرامی، همکاران عزیز نشریه کار! بخش عکس و طرح نشریه کار در صدد است تا به یاری شما دوستان، آرشیه و جود را تکمیل و نو سازی کند. پاسخ به این ضرورت در گزو یاری طیف وسیع خوانندگان و همکاران راه دور و نزدیک نشریه است. انتظار ما از شما آنست که هر عکس، طرح، نقشه کاریکاتور و... را که در اختیار دارید، برای نشریه خودتان بفرستید.

روشن است که انتخاب هر آنچه که برای نشریه ارسال خواهد شد، اولاً از توجه خصوصیت نشریه کار و ثانیاً از ذوق و سلیقه خود دوستان فرستنده تاثیر خواهد گرفت. توصیه ما به شما دوستان

از فرهنگ بررسی و تحقیق بدوریم ما را همچنان در مسیر فرعی رسیدن به اهدافمان نگاه می‌دارد. هدف، نفی عمل و اقدام سیاسی نیست که به جای خود بسیار شایسته است. اما وقتی که این عمل، خود را در لباس بررسی و حتی استناد به استفاده از تجارب گذشته در می‌آورد و با یک نتیجه‌گیری سطحی خود را اینطور می‌نماید که جای خالی تحقیق و کنکاش را پر کرده است، خطرناک میشود و مارا همچنان در یک سیکل بسته تفکر نگه خواهد داشت.

این نایچه با این جملات تمام می‌شود که: "برخورد نوین با مسائل جامعه، نیاز به فرهنگ نوینی دارد. باید تلاش کنیم تا در مسیر کسب چنین فرهنگی قرار بگیریم."

ما ضمن تشکر از توجه‌شان به مندرجات نشریه کار، بحث مضمونی با مطالب مطرح شده از سوی ایشان را به برخورد اندیشه‌ها موکول می‌کنیم که در صفحات نشریه منعکس می‌شوند. اما تذکر آقای لاریمی را مبنی بر اجتناب از نشریه کار در مقالات بدون امضا و واژه‌هایی نظیر "هومفریبان"، وارد میدانیم و کوشش خواهیم کرد تا تکرار نشود.

ضمناً به اطلاع آقای لاریمی می‌رسانیم با توجه به اینکه نشریه کار مطالب مستندتر از ترجمه ارسال شما راجع به "شکنجه زندانیان سیاسی در ایران" درج شده است، از درج این ترجمه خودداری شد.

از همکاری شما متشکریم.

خواننده گرامی آقای محمد عباسی

با تشکر از خبر ارسال شما راجع به خروج بی‌رویه قالی‌های نفیس و دارای ارزش تاریخی از کشور، واقعا جای تاسف است که در جمهوری اسلامی چه‌سان بر ثروت‌های ملی و فرهنگی میهن ما چوب حراج زده شده و می‌شود. کوشش نشریه آن است که اخبار مربوط به خارج شدن ثروت‌های ملی و فرهنگی از کشور را منعکس کند و توجه افکار عمومی ایرانیان میهن پرست را به اهمیت حفاظت ثروت‌های ملی خود از دستبردهای شایع و سوداندوز برانگیزد. از دور دست شما را می‌فشاریم.

دوست عزیز آقای گورگنلی از سوئد

مقابلاً درودهای ما را بپذیرید. نامه پرمحتوی و مختصر شما را دریافت کردیم. پاسخ ما به درخواست اول شما مثبت است. از

مقابلاً درودهای ما را بپذیرید. نامه پرمحتوی و مختصر شما را دریافت کردیم. پاسخ ما به درخواست اول شما مثبت است. از

استمداد پناهجویان مقیم اتحاد کشورهای مستقل

اخیراً کانون دفاع از پناهجویان مقیم اتحاد کشورهای مستقل با صدور اعلامیه‌ای از همه انجمن‌های حمایت از حقوق پناهجویان سیاسی ایرانی خواسته است تا وضع دشوار و تهدیدآمیز آنان را دریابند و با توجه به ضیق وقت و فرصتی که آنها برای ماندن در اتحاد کشورهای مستقل با آن روبرو هستند، هر چه سریع و از هر طریق ممکن، به استمداد آنان پاسخ شایسته دهند. در این اعلامیه آمده است:

به انجمن‌های حمایت از حقوق پناهجویان سیاسی ایرانی

جموعه‌های مربوطه و سفر به افغانستان می‌باشند. مراجعات به دفتر سازمان ملل در مسکو نیز تاکنون هیچ مشکلی را حل نکرده است. آنها خود را از انجام هر عملی معذور می‌دانند.

مابدینوسیه از تمامی انسان‌های آگاه و مدافع حقوق بشر و مدافع حقوق پناهندگان سیاسی می‌خواهیم تا با ارسال نامه اعتراضی به دفتر مبعساری عالی پناهندگی در ژنو، مراجعه به ادارات مهاجرت کشورهای خود و جلب توجه مقامات، احزاب و سازمان‌های اجتماعی و همومی شرایطی فراهم نمایند، تا اولاً: از اخراج این دانشجویان و عودت آنها به افغانستان خودداری گردد. ثانیاً کشورهای پناهنده‌پذیر هويت آنها را به عنوان ایرانی و پناهنده به رسمیت بشناسند.

در پایان اعلامیه از همه وجدان‌های آگاه و بیدار دعوت شده است که پیش از بروز حوادث احتمالی برای پناهجویان اقدام بکنند. این اعلامیه، با آرزوی همبستگی عمومی برای دفاع از پناهجویان سیاسی تمام میشود.

دوستان عزیز، بدینوسیله استمداد تعدادی از دانشجویان مقیم اتحاد شوروی سابق را به اطلاع شما می‌رسانیم. این افراد پس از خروج از ایران با انگیزه‌ها و دلایل گوناگون، با استفاده از کمک‌های دولت سابق افغانستان با مدارک افغانی جهت تحصیل به اتحاد شوروی وارده شده و در جمهوری‌های مختلف مشغول تحصیل شدند. مراجعات مکرر این افراد در زمان تحصیل، به ادارات و ارگان‌های دولتی جمهوری‌های مربوطه، جهت تعویض پاسپورت و تثبیت هويت ایرانی خود به نتیجه نرسیده و همواره به آنان تاکید گردید که باید پس از پایان تحصیل همچون سایر دانشجویان افغانی به کشور افغانستان برگردند.

تحولات اخیر در افغانستان و روی کار آمدن رژیم‌های اسلامی در آن کشور وجود ناامنی قطعه پایانی بر این ارتباط و چنین مدارکی گذاشته است. در پایان ماه ژوئن تعداد زیادی از این دانشجویان تحصیلات خود را پایان رسانده و مجبور به تخلیه خوابگاه‌های دانشجویی و در نهایت مجبور به خروج از

روز شنبه دوم خردادماه، هلی اکبر اکبری نویسنده و پژوهشگر معروف بعثت سخته قلبی در شهر کلن آلمان در گذشت. هلی اکبر اکبری بهنگام مرگ ۵۵ سال داشت.

نوشته‌های هلی اکبر اکبری بویژه کتاب "بررسی چندساله اجتماعی" وی که از محبوبیت گسترده‌ای برخوردار شد، در راستای نقد اندیشه‌های راهبر حرکت‌های اسلامی در اواخر دهه ۴۰ و ۵۰ دکتر هلی شریعتی قابل توجه بود. هلی اکبر اکبری از اواخر سال ۱۳۴۹ قریب یکسال را در زندان‌های رژیم شاه بسربرد.

بهمناسبت درگذشت هلی اکبر اکبری کانون نویسندگان ایران (در تبعید) اعلامیه‌ای صادر نمود در بخشی از این اعلامیه آمده است: "روحه قوی و پشتکاری نظیرش در پیگیری امر پژوهش و فرهنگ و مبارزه قلمی علیه جعل و خرافه پرستی در تمامی این سالها برای همکاری‌اش نمونه‌ای شگفت بود."

نشریه کار در گذشت این نویسنده و پژوهشگر آزاده را به خانواده وی و همه دوستدارانش تسلیت می‌گوید.

هلی اکبر اکبری در گذشت

در بزرگداشت هلی اکبر اکبری توسط جمعی از شاعران، نویسندگان و محققین ایرانی در خارج از کشور و نیز دوستان وی بیانیه‌ای در تاریخ ۵ خردادماه انتشار یافت که متن آن را در زیر می‌خوانید:

چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را فبار خاطری از رهگذار مانرسد حافظ

ما که خود در حادثه ناگهانی درگذشت دوست گرامی، انسان آزاده و فروتن و بردبار، محقق ارجمند هلی اکبر اکبری سوگواریم، این رویداد دردناک را به همسر و فرزندان آن زنده یاد و به اهل قلم و مردم ایران تسلیت می‌گوئیم.

فریدون ابوالحسن زاده، حبیب پوزین، فریدون تنکابنی، بهرام چوبینه، بهروز حتی، نسیم خاکسار، محمود خوشنم، جلال سرفراز، میرزا آتاهسگری، هلی اصغر هسگریان، رضا علامه زاده، هدنان قریبی، محمودفلکی، بهزاد کشمیری پور، معین الدین محرابی، رضا مقصدی، همامناطق، بهمن نیرومند

به مناسبت پانزدهم خرداد ماه، روز جهانی حفاظت از محیط زیست

آیا زمین امکان بقا خواهد داشت؟

کشور صنعتی بزرگ غرب است، اما در همین حال تنها با یک درصد تولید ناخالص ملی همین کشورها برابری می کند. برخی سیاستمداران غربی معتقدند غرب بخاطر حفظ منافع آتی خود هم که شده، باید این مبلغ را به حمایت از محیط زیست و توسعه در جهان سوم اختصاص دهد.

افزایش حرارت زمین

در سال های اخیر درجه حرارت در نقاط مختلف جهان بطرز بی سابقه ای بالا رفته است. دانشمندان این پدیده را "گرم خانه" یا "گل خانه" نام گذاری کرده اند. برخی از کارشناسان می گویند افزایش حرارت زمین، روندی بازگشت ناپذیر است. گرم شدن اتمسفر زمین، پدیده جدیدی نیست. در دهه ۱۹۳۰، حرارت جو چندین سال پی در پی افزایش یافت. در آن زمان نیز دانشمندان مانند زمان حاضر به این نتیجه رسیدند که تولید مصنوعی گاز کربنیک (دی اکسید کربن)، عامل این افزایش حرارت است. اما روند گرم شدن زمین ادامه نیافت. از دهه ۱۹۴۰ تا دهه ۱۹۷۰، درجه حرارت در مناطق مختلف رو به کاهش بود و در زمستان سخت ۷۷- ۱۹۷۶ به پایین ترین نقطه خود رسید. سپس بلافاصله هوا گرم تر شد. در طول دهه ۱۹۸۰، هر سال گرم تر از سال قبل بود. این بار روند گرم شدن اتمسفر زمین قطع نشده است و ادامه دارد. تا جایی که این روند به عنوان یکی از علائم هشداردهنده تخریب محیط زیست شناخته می شود.

"مرکز ملی پژوهش های اتمسفری" آمریکا تحقیقاتی انجام داده است که به موجب آن، دو برابر شدن مقدار دی اکسید کربن جو زمین به معنای افزایش متوسط درجه حرارت به میزان ۳ تا ۹ درصد خواهد بود. احتمال دو برابر شدن مقدار دی اکسید کربن در هوا تا قرن آینده، وجود دارد. مسئولیت اصلی این پدیده، که می تواند به افزایش سطح آب اقیانوس ها و گسترش تجاری مانند سیل های بیابانی بنگلادش منجر شود، برعهده کشورهای صنعتی است. ایالات متحده به تنهایی ۱۷/۸ درصد کل گازهای گرم کننده اتمسفر زمین را تولید می کند. با این حال، تا آخرین روزهای قبل از کنفرانس ریودوژانیرو، هنوز معلوم نبود که دولت بوش به پیش نویس قطعنامه کاهش مقدار دی اکسید کربن رای دهد. تحت فشار آمریکا، در این پیش نویس تعیین نشده است که کاهش تولید دی اکسید کربن باید به چه مقدار و طبق چه برنامه زمان بندی شده ای صورت گیرد.

افزایش جمعیت

از میلاد مسیح تا سال ۱۵۰۰ پس از تولد مسیح، جمعیت جهان تقریباً در رقم ۵۰۰ میلیون نفر ثابت ماند. از سال ۱۵۰۰، جمعیت دنیا به طور تصاعدی بالا رفته است. در فاصله ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰، تعداد مردم جهان دو برابر شد، و از ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰، بازم دو برابر شد. سازمان ملل پیش بینی می کند که تا سال ۲۰۵۰ جمعیت جهان به ۱۰ میلیارد نفر یعنی دوبرابر رقم فعلی افزایش خواهد یافت. جوامع بشری یا باید خود به کنترل جمعیت اقدام کنند و یا گرسنگی و بقیه در صفحه ۸

لندن و نیویورک درخت ها را می بریدند تا جا را برای شهرها و کارخانه ها باز کنند، کسی به فکر هواقتل اکولوژیک این کار نبود. اکنون که نوبت به جنگل های پروو اندونزی رسیده است، وجدان اکولوژیک غرب بیدار شده است. غرب از کشورهای فقیر می خواهد که از درپیش گرفتن راهی که کشورهای غربی را فنی کرد، خودداری کنند و تقریباً بلافاصله با این پرسش مواجه می شود که پس چگونه باید بر گرسنگی و فقر ماندگی و فقر در جنوب جهان غلبه کرد؟

کشورهای در حال توسعه توانستند در عنوان کنفرانس ریودوژانیرو، واژه "توسعه" را بگنجانند، واژه ای که اغلب رسانه های گروهی غربی در گزارش های خود پیرامون اجلاس سران، آن را تحت الشعاع اکولوژی قرار دادند. به نوشته مطبوعات، در جریان تدارک کار کنفرانس و تهیه پیش نویس مصوبات، موریس سترانگ دبیرکل اجلاس که یک سرمایه دار میلیونر کانادایی و صاحب یک شرکت نفتی است، می گفت بیابیه ریودوژانیرو باید سند کوتاه و الهام بخشی باشد که بتوان آن را حتی بصورت تابلو در اتاق خواب کودکان نیز آویخت. یکی از نمایندگان جهان سوم پاسخ داد که در کشورهایی که او نمایندگی می کند، اکثر کودکان اتاق خواب ندارند. در نتیجه تلاش نمایندگان کشورهای رشدهنده، در متن پیش نویس، بخش هایی مربوط به حقوق کشورهای فقیر در امر توسعه از راه های معقول گنجانده شد.

به گفته یکی از فعالان جنبش محیط زیست ایالات متحده، اجلاس ریودوژانیرو نشان داد که "ما دیگر نمیتوانیم قابل زیست بودن سیاره خود در آینده را از توزیع کنونی ثروت جدا کنیم." کنفرانس برزیل، سندی تحت عنوان "منشور ۲۱" را در دستور کار خود داشت. در این سند ۸۰۰ صفحه ای، برنامه مبسوطی برای کمک به کشورهای در حال توسعه جهت حفظ محیط زیست از احیای جنگل ها گرفته تا

کشورهای صنعتی ده ها سال از مواد خام ارزان کشورهای فقیر بهره برده و اقتصاد خود را به سطحی رسانده اند که به آنها اجازه میدهد همه مردم را از آسایش و رفاه برخوردار سازند (اگر چنین نمی کنند، به علت نظام اقتصادی - اجتماعی ناعادلانه سرمایه داری است). بهبود وضعیت اقتصادی، افزایش امکانات فرهنگی و آموزشی را به همراه دارد. ارتقای سطح آگاهی و وجود امنیت اجتماعی، به یک کشور امکان میدهد تا از افزایش جمعیت جلوگیری کند. در کشورهای فقیر، نه امکانات برای افزایش

کنیم، اقداماتی که به تخریب محیط زیست منجر می شود، نیست. کشورهای ثروتمند می توانند با افزایش بازدهی و اتوماسیون به توسعه اقتصاد خود بپردازند و با کاهش ساعات کار، افزایش اوقات فراغت و حذف کارهای طاقت فرسا بر رفاه و به دور زمین اند، به امضای نمایندگان کشورهای جهان رسید. در اجلاس ریودوژانیرو، تنها یک معاهده از این نوع، در دستور کار قرار داشت که موضوع آن، اقدامات ضروری برای مقابله با افزایش درجه حرارت زمین است. یک مورد دیگر از

ریودوژانیرو گرد نیامدند. چنین تصمیماتی احتیاج به اجلاس سران نداشت. به عنوان نمونه در سال ۱۹۸۷ در مونترال کانادا بدون تشکیل اجلاس سران، معاهده ای برای توقف تدریجی تولید مواد موسوم به کلور فلئوروکربن ها که عامل اصلی تخریب لایه اوزون به دور زمین اند، به امضای نمایندگان کشورهای جهان رسید. در اجلاس ریودوژانیرو، تنها یک معاهده از این نوع، در دستور کار قرار داشت که موضوع آن، اقدامات ضروری برای مقابله با افزایش درجه حرارت زمین است. یک مورد دیگر از

برای نخستین بار، نمایندگان همه کشورهای جهان در عالی ترین سطح گرد آمدند تا به بررسی مسائل محیط زیست بپردازند. اجلاس سران ریودوژانیرو در حالی برگزار شد که هر سال دامنه تخریب محیط زیست گسترده تر می شود. اکنون این پرسش مطرح است که باین آهنگ و شتاب نابودی محیط زیست، آیا ساکنان کره خاکی ما امکان بقا خواهند داشت؟

آینده "اکوسیستم" جهانی، مهمترین مسئله عصر حاضر است. بیعده نیست که این مسئله در دستور کار بزرگترین اجلاس سران کشورهای جهان قرار گرفت. در حالی که بلایا و مصائبی که دامنه محدود محلی دارند، توجه همه را در جهان به خود جلب می کنند، سرنوشت کره ای که از جنگ قدرت در افغانستان تا شورش فقرا در لوس آنجلس، همه و همه بر روی آن بوقوع می پیوندد، تا به حال به قدر کافی مورد عنایت قرار نگرفته است. اگر اکوسیستم جهانی فروریزد، دیگر نه خود مختاری به درد مردم کرد خواهد خورد و نه دموکراسی موافق خود را به تایلندی ها خواهد رساند.

از این رو است که برای نخستین بار در قرن بیستم، سران کشورها در برزیل جمع شدند تا درباره مسئله ای دیگر به غیر از جنگ و صلح و اقتصاد بحث کنند. تقریباً همه روسای کشورهای جهان به ریودوژانیرو رفتند. در جهان، کشورهایی هستند که ارتش ندارند، اما کشوری نیست که خاک نداشته باشد؛ ملت هایی هستند که پول ندارند، اما هیچ ملتی نیست که به نان شب محتاج نباشد.

کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه "از همه اجلاس های مشابه سران کشورهای جهان گسترده تر بود. انبوهی از نشست های جنبی، مراسم فرهنگی و هنری و فعالیت های فیررسانی، این اجلاس را همراهی می کرد. به موازات نشست نمایندگان دولت ها، اجلاسی از سازمان های غیردولتی، شامل گروه های مدافع محیط زیست و حمایت از حقوق بشر و نیز نمایندگان ملت های بدون دولت، مانند کردها و فلسطینی ها تشکیل شد.

برخی ناظران می گویند صرف برپایی چنین گردهمایی عظیمی، یک موفقیت بود زیرا توجه رهبران جهان را به رابطه تنگاتنگ میان توسعه اقتصادی از یک سو و حفظ محیط زیست از سوی دیگر، و نیز به ابعاد جدید بحران جهانی اکولوژیک جلب کرد.

در اجلاس ریودوژانیرو، نمایندگان انحصاراتی که مسئولیت اصلی تخریب محیط زیست را برعهده دارند، در چارچوب یک هیات مشترک حضور داشتند. شرکت هایی مانند "داو کمیکال"، "دویونت"، "شورون" و "تری ام"، تولیدکنندگان اصلی مواد شیمیایی نابودکننده، اتمسفر زمین، از جمله اعضای این هیات بودند. اکنون ابعاد فاجعه جهانی تخریب محیط زیست به حدی رسیده است که روسای این شرکت ها نیز اذعان دارند که "توسعه اقتصادی بدون احساس مسئولیت در تبال محیط زیست ممکن نیست".

رهبران بیش از ۱۲۰ کشور تنها برای تصویب مقرراتی برای کاهش مقدار آلودگی هوا در



فیلیپین: جستجو در میان زباله ها

آگاهی مردم کافی است و نه تامین اقتصادی وجود دارد. برای بسیاری از مردم این کشورها، داشتن فرزند بیشتر به معنای تامین آینده است. اگر رشد جمعیت با همین آهنگ فعلی ادامه یابد، جمعیت آفریقا تا ۲۳ سال آینده دو برابر خواهد شد. و این در حالی است که در این دو قاره با همین جمعیت فعلی نیز روزانه بخش بیشتری از محیط زیست آلوده و نابود می شود.

سرپرستی دولت ها به منابع سرمایه بزرگ و فقدان شعور اکولوژیک در میان مردم نسبتاً مرفه ساکن کشورهای صنعتی بازمی گردد. تغییر جهت رشد اقتصادی این کشورها به سمتی که احساس مسئولیت اکولوژیک ایجاد میکند، شاید مستلزم چشمپوشی از بخشی از آسایش مفرط باشد - مثلاً خودداری از استفاده از اتومبیل شخصی، اما قطعاً به سطح زندگی مردم کشورهای ثروتمند لطمه قابل توجهی نخواهد زد.

اما در کشورهای فقیر چنین نیست. در آمریکای جنوبی، بسیاری از کشورها برای اینکه بتوانند فقر غلبه کنند، باید صنعت و کشاورزی خود را توسعه دهند. این امر بدون استفاده از اراضی جدید، ممکن نیست. در کشورهای ثروتمند پیوسته با خسرت از جنگل های آمازون که روبرو نابودی است سخن می رانند، بدون اینکه بگویند برزیلی ها برای سیر کردن شکم خود چه راه دیگری باید برگزینند. در ماداگاسکار، که یکی از فقیرترین کشورهای جهان است، گیاهی میروید که یکی از منابع اصلی درآمد این کشور است. این گیاه که از آن دارو تهیه می کنند، تنها در ماداگاسکار وجود دارد. بقای این نوع گیاه در خطر است، اما آیا می توان یک کشور فقیر را از این منبع درآمد محروم کرد؟

دستور کار کنفرانس ریودوژانیرو، قراردادهایی برای حفظ منابع جنگلی و تنوع بیولوژیک بود. اما هر یک از این موضوعات می توانست به طور جداگانه و در سطوح پایین تر مورد بحث و بررسی و تصویب قرار گیرد. مسئله محوری در ریودوژانیرو، رابطه میان حفظ محیط زیست و توسعه اقتصادی بود.

جرج بوش رئیس جمهور آمریکا که کشورش بزرگترین تولیدکننده گاز کربنیک در جهان است و از این طریق بیش از همه کشورها در افزایش حرارت زمین به مثابه علت اصلی بسیاری از فجایع اکولوژیک سهم دارد، تا مدت ها به شدت در مقابل درخواست شرکت او در نشست برزیل مقاومت می کرد. چرا؟ یکی از دستیاران بوش در توجیه عدم تمایل او به رفتن به ریودوژانیرو، می گفت این اجلاس تنها پوششی ایدئولوژیک برای یک خواست کهنه است: درخواست کمک کشورهای فقیر از کشورهای صنعتی. واقعیت این است که کشورهای ثروتمند ده ها سال است که مرحله توسعه اقتصادی "سطحی" را پشت سر گذاشته و به مرحله توسعه "عمقی" رسیده اند. در این کشورها، رشد جنگلی بیشتر، احداث جاده های بیشتر، تولید انرژی بیشتر، و اگر بخواهیم به طور خلاصه جمع بندی



کنفرانس محیط زیست

مرکسی کار خودش، بار خودش، آتش به اتبار خودش!

آیا برآستی چه باید کرد؟

کشورهای در حال توسعه، خواهان آنند که جهان صنعتی در رهایی از عواقب ناگوار صنعتی شدن به آنها کمک کند. وقتی در

پاک تر کردن هوا. پیش بینی شده است. مخارج برنامه حفظ محیط زیست در مقیاس جهانی، به گونه ای که در این سند آمده است، ۱۲۵ میلیارد دلار تخمین زده می شود. این مبلغ، سه برابر کل بودجه کمک های خارجی هفت

نژادپرستان فرانسوی

ناسیونالیسم افراطی عمدتاً بر ستر بحران اقتصادی و بیکاری رشد می‌یابد و لبه تیز حملات خود را متوجه مهاجران می‌سازد. بنابر این جای تعجب نیست که با گسترش بحران در جهان و شکست‌های "چپ"، شاهد رشد فزاینده راست در اروپا و آمریکا باشیم.

حزب "جبهه ملی"

در حالی که مشکلات متعدد اجتماعی از جمله افزایش هزینه زندگی، بیکاری، گرانی مسکن و هزاران مشکل دیگر مردم فرانسه را نگران آینده خود می‌سازد، FN برای جذب بخش مهمی از ناراضیان جامعه، برنامه‌هایی را در طرح اخیر خود برای انتخابات ارائه داده که مدعی بهبود وضع این کشور است.

حزب دست راستی "جبهه ملی" در فرانسه "FN" از قویترین احزاب ناسیونالیستی اروپا می‌باشد که حدود ۲۰ سال قدمت دارد. در این مقاله سعی بر اینست که این حزب بعنوان نمونه‌ای از جریان‌های راست افراطی بررسی شود.

موقعیت حزب "جبهه ملی"

حزب جبهه ملی (FN) به رهبری لوپین به بهانه انتخابات فرانسه در ماه مارس گذشته تبلیغات وسیعی در سراسر کشور براه انداخت و نگرانی و واکنش بسیاری از نیروهای دموکرات را برانگیخت. میزان آرا این حزب در انتخابات منطقه‌ای اخیر که پائین تر از انتظار بود اما بهر حال افزایش چشمگیری را نسبت به سالهای قبل نشان میداد.

این حزب که در سال ۱۹۸۱ نتوانسته بود حد نصاب لازم برای شرکت در انتخابات را بدست بیاورد در ۱۹۸۸، ۶/۳ درصد و در انتخابات اخیر ۱۹۹۲، ۱۴ درصد رشد داشت. حزب جبهه ملی در حال حاضر یک نماینده در پارلمان فرانسه و ۱۰ نماینده در تاریخ رسمی تشکیل جبهه ناسیونالیست‌های افراطی در فرانسه به سال ۱۹۸۸ میرسد.

ولی ریشه افکار ناسیونالیستی را در انقلاب کبیر فرانسه و دوران پس از آن باید جستجو کرد.

در جریان مبارزات جمهوری خواهان، شناختن از "ملت" و بحث زبان، نژاد و آداب و رسوم مطرح می‌شود و حفظ سرزمین فرانسه در مقابل اشغال و تکه تکه شدن آن بوسیله دشمنان خارجی، مفهوم ناسیونالیسم را معنایی خاص می‌بخشد. اما به تدریج ناسیونالیسم در داخل کشور توجه خود را به حفاظت ریشه ملی معطوف می‌کند و خشم خود را متوجه بخش "پست" جامعه می‌سازد. نظریه‌ای که در فاشیسم هیتلری تبلور خود را در دفاع از نژاد "اصیل" می‌یابد و تأثیر خود را بر پیروان فرانسوی آن باقی می‌گذارد.

در تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۷۲، "FN" با جمع کردن سازمان‌های مختلف و شخصیت‌های پراکنده راست افراطی حول ژان ماری لوپین بنیان گذاشته شد. هدف بنیانگذاران این جریان در کوتاه مدت انتخابات پارلمانی ماه مارس ۱۹۷۳ و در دراز مدت جمع‌آوری حامین نظر ناسیونالیسم افراطی بدور خود بوده است. اگر نتایج بسیار بدی که لوپین و همفکرانش در اولین دوره انتخابات مجلس بدست آوردند، از هم پاشیدگی "FN" را بدنبال داشت اما پس از چند سال بحرانی در حیات سیاسی "FN"، این حزب از اوایل دهه

هشتاد با استحکام درونی بیشتری و در پی تجدید سازماندهی و بازسازی خود در مسایل برنامه‌ای مجدداً وارد مریضه انتخابات میگردد.

در زمینه خارجی نیز سیاست‌های FN از زاویه ملی گرایانه در بخش‌های مشخص در مقابل سیاست دولت سوسیالیست قرار دارد از جمله مخالفت با طرح اروپای واحد و موضعگیری ضد آمریکایی است که در مخالفت با دستگیری دولت فرانسه با آمریکا در جنگ خلیج خود را نشان داد.

در زمینه فرهنگی، لوپین خود را مدافع ارزش‌های فرهنگی سنتی فرانسه میداند و از این رو مخالف نوآوری‌هایی است که فرهنگ اصیل را با دیگر ایده‌ها و فرهنگ‌ها آمیخته می‌سازد. در حالیکه دیگر احزاب سیاسی فرهنگ آمیخته را بالنده و متکامل می‌بینند، این حزب اثر انحطاط و فساد فرهنگی می‌نامد.

بطور کلی FN در بین هنرمندان محبوبیتی نداشته برعکس آنها را رو در روی خود دارد. در زمینه خانواده نیز، لوپین با مخالفت با کار شبانه زنان و پیشنهادهای طرح نیمه وقت کردن کار زنان در عین تأمین بیشتر کار برای مردان، زنان را به جایگاه سنتی آنان در خانواده باز میگردد.

سازماندهی تشکیلاتی و منابع مالی "جبهه ملی"

FN مانند همه احزاب سیاسی که در پی گسترش نفوذ خود می‌باشند ساختارهای خاص خود را جهت ارتباط با اشرار و طبقات مختلف اجتماعی ایجاد کرده است.

سازماندهی "FN" شامل دو بخش رسمی و غیر رسمی می‌باشد. تشکیلات رسمی و منتسب به FN شبکه‌ای از شرکت‌های اقتصادی، فرهنگی و صنعتی می‌باشد که توسط هواداران این حزب اداره می‌شوند و شامل دوایر ملی جوانان، زنان، کارمندان، بانکها و موسسات، هنر و فرهنگ و... می‌باشد که حدود بیش از ۱۷ شبکه رسمی و سازمانی را در بر می‌گیرد.

امروزه این حزب دارای یک روزنامه، دو هفته نامه و یک ماهنامه رسمی است و می‌تواند روی چندین نشریه هم فکر دیگر فرانسوی حقوق اجتماعی فرانسویان را نخواهد داشت. تأمین کار و مسکن او محدود می‌شود و از حق نگهداری فرهنگ و دین خود منع میگردد. لوپین می‌کوشد مهاجرین غیر اروپایی را از واحدهای متمرکز مسکنی (گتو) بیرون کند و این واحدها را در اختیار "فرانسوی‌های اصیل" قرار دهد. لازم به یادآوری است مهاجرین مقیم فرانسه اکثر آرزوهای شمال آفریقا می‌باشند (الجزایر، مغرب، تونس و سنگال...) که سالهای دراز ثروت ملی آنها توسط دولت فرانسه به تاراج رفته است و به دنبال مشکلات اقتصادی در کشور خود و بواسطه تسلط فرهنگ و زبان فرانسه بر آنها روانه کشور متروپل شده‌اند. این مهاجرین

نخستین پیروزی مردم تایلند

ارتباطاتی با قاچاقچیان مواد مخدر دارد. نارونگ هلیرفم تکذیب شدیدی این اتهام، نتوانست حمایت پارلمان را از نامزدی خود بدست آورد. در نتیجه ائتلاف پنج‌گانه فزونی از خارج پارلمان را کاندید ریاست دولت کرد: شخص ژنرال سوچیندا رهبر کودتای ۱۳۶۹ با "بی‌میلی" پیشنهاده پارلمان را پذیرفت و با "تاسف" از مقام‌های نظامی خود کناره گرفت. با اعلام اسامی اعضای کابینه سوچیندا، توهامات مردم نسبت به این ژنرال "درستکار" به کلی فرو ریخت. سوچیندا یازده عضو سابق کابینه چاتی‌چای را که همگی به‌داشتن "ثروت بیش از حد" معروفند در دولت خود وارد کرد. جالب اینجاست که این یازده نفر تقریباً تنها کسانی از میان اعضای دولت اسبق بودند که پس از کودتا در مظان اتهام فساد از سوی کمیسیون انتصابی نظامیان برای بررسی سوء استفاده‌های نقاب‌های دولتی قرار نگرفته بودند.

دو هفته پس از اعلام اعضای کابینه، تظاهراتی با شرکت حدود ۵۰ هزار نفر از مردم خشمگین در برابر ساختمان پارلمان تشکیل شد. مردم خواستار کناره‌گیری سوچیندا شدند. یک نماینده پیشین پارلمان علیه سوچیندا دست به اعتصاب غذا زد و چاملونگ، رهبر اپوزیسیون، به این اعتصاب پیوست. چاملونگ اعلام کرد، اگر سوچیندا کناره نگیرد، مرگ را بر شکستن اعتصاب غذای خود ترجیح خواهد داد. طرفداران اپوزیسیون با الهام از این حرکت غیرمتعارف چاملونگ، باتمام قوا به میدان مبارزه آمدند.

در اواسط اردیبهشت، دولت با برگزاری مذاکراتی برای تغییر قانون اساسی جهت محدود کردن نامزدهای نخست‌وزیری به اعضای پارلمان، موافقت کرد. در نتیجه، چاملونگ به اعتصاب غذای خود پایان داد. اما دیری نپایید که شایع شد ائتلاف پنج‌گانه دارای اکثریت در پارلمان، می‌خواهد تغییر قانون اساسی را به پس از دوره چهار ساله زمامداری سوچیندا موقوف کند. بار دیگر اعتراضات بالا گرفت. در اواخر اردیبهشت، حدود ۲۰۰ هزار نفر در تظاهراتی ضد دولتی که طی آن چاملونگ به سخنرانی پرداخت، شرکت کردند. ترکیب این جمعیت، بسیار متنوع بود: از کارگران و دانشجویان گرفته تا کارمندان نسبتاً مرفه و زنان خانه‌دار. عصر آن روز، تظاهرکنندگان به سمت دفتر نخست‌وزیر حرکت کردند تا تقاضای کتبی کناره‌گیری

بقیه از صفحه آخر

دولت، ۴۰ نفر طی چهار روز نالارامی کشته شده‌اند، اما بسیاری از مردم معتقدند که رقم واقعی کشته‌شدگان بسیار بیشتر است. پادشاه تایلند رسماً همان‌ان این خونریزی را عفو کرده است، اما مردم و اپوزیسیون خواهان لغو این تصمیم‌اند. مسئله تعقیب یا عدم تعقیب نظامیان سرکوبگر، معضلی است که حل آن بسته به پاسخ تایلند به پرسشی گریه‌تر است: نقش نظامیان در آینده تایلند چه خواهد بود؟ در بهمن ماه ۱۳۶۹، هنگامی که نظامیان، حکومت منتخب را سرنگون کردند، مردم با این نقض دموکراسی برخورد بی‌تفاوتی داشتند. از نظر اکثر مردم، کابینه چاتی‌چای نخست‌وزیر غیرنظامی ساطع شده در این کودتا، از وزرای رشوه‌خوار و فاسد تشکیل شده بود. سوچیندا و سایر ژنرال‌هایی که در کودتا شرکت داشتند، می‌گفتند که انگیزه آنها برای کودتا، این بوده است که قبل از برگشتن به پادگان‌هایشان، دولت را تصفیه کنند. نظامیان پس از کودتا آندپانیا را چون یک دیپلمات و جبهه‌الله سابق را به عنوان نخست‌وزیر موقت تعیین کردند. او کابینه‌ای از تکنوکرات‌ها تشکیل داد. اما در پشت صحنه، ژنرال‌ها به سختی مشغول تحکیم پایه‌های قدرت خود بودند. در مهرماه سال گذشته، یک کمیته دستچین شده توسط نظامیان، برای قانون اساسی طرح جدیدی تهیه کرد که به موجب آن، یک مجلس ستای لفظی تصمیم‌های دولت را داشت. بدنبال انتشار این طرح، دانشجویان و گروه دیگری از مردم به تظاهرات خیابانی پرداختند و توانستند بخشی از اختیارات پیش‌بینی شده برای سنا را محدود کنند. در همین زمان بود که ژنرال سوچیندا تکلیف کرد تصدحرازیست دولتی ندارد. اما سوچیندا به این وعده خود وفا نکرد. در اسفند ماه گذشته، وقتی انتخابات پارلمان برای پایان دادن به دوره زمامداری دولت موقت برگزار شد، یک ائتلاف پنج حزبی طرفدار نظامیان توانست اکثریت ضعیفی در پارلمان بدست آورد. نخستین کاندیدای این چند حزب برای گزینش به نخست‌وزیری، نارونگ وونگ‌وان یک سرمایه‌دار ثروتمند بود. اما بدنبال طرح نامزدی وی، دولت آمریکا اعلام کرد خانواده این سیاستمدار

بقیه از صفحه آخر

بقیه از صفحه آخر

بقیه از صفحه آخر

توفیق PDS و نگرانی احزاب "دموکرات"

در برلین شرقی دیگر نادیده گرفتن PDS مسیر نخواهد بود. مخالفین باید عادت کنند فعالیت خود را با این حزب تنظیم نمایند. احزاب "دموکرات" معتقدند که مردم شرق انتخاب قطعی کرده‌اند. اتحاد بزرگ اتحادیه دموکرات مسیحی CDU و حزب سوسیال دموکرات SPD که در برلین قدرت را در دست دارد، به خاطر هراس قبلی از پیروزی DS در انتخابات قانون شهرداری های برلین را عوض کردند. سابقاً قوی ترین حزب در هر منطقه می‌توانست شهردار را تعیین کند. بر اساس قانون جدید باید

در شش منطقه از "منطقه برلین شرقی، حزب سوسیالیزم دموکراتیک آلمان PDS قوی ترین حزب است. این مسئله در جریان انتخابات منطقه ای شهرداری ما مشخص گردید. در منطقه مرکزی PDS موفق به کسب ۳۵٪ درصد آرا رای دهندگان شد. به این ترتیب شمار نمایندگان PDS در مناطق شهرداری ۱۵۶ تن خواهد بود. علاوه بر آن حداقل ۶۶٪ تن ۷۷ مقام شورای برلین شرقی به این حزب تعلق خواهد داشت. در بخش غربی شهر PDS با کسب تنها ۹٪ درصد آرا رای دهندگان یک بازنده کامل بود.

بقیه در صفحه ۸

نخستین پیروزی مردم تایلند

بقیه از صفحه اول

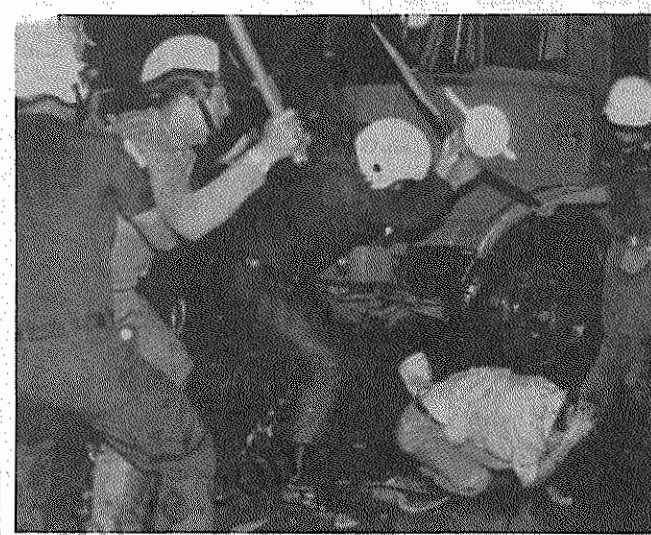
به مقابله با آنان پرداختند. هیچ کس از آمار دقیق قربانیان این سرکوب وحشیانه خبری ندارد. شاهدان هیتی می گویند سربازان احساد بسیاری از کشته شدگان را شبانه با کامیون از محل حوادث برده اند. مردم تعداد زیادی از مجروحین را به سالن پذیرایی یک هتل بانکوک بردند و در آنجا پزشکان و پرستاران داوطلب به مداوای فوری زخمی ها پرداختند. سالن هتل ظرف مدت کوتاهی از لگهای خون پوشیده شد. یک پزشک گفت که تنها در آن شب به مداوای ۱۵۵ مجروح، از جمله ۸۵ تن با جراحات ناشی از اصابت گلوله، پرداخته است. به گفته این پزشک، تعداد دیگری از مردم دچار شکستگی استخوان ناشی از ضرب و شتم با باتوم و تعدادی تفنگ شده بودند. این پزشک و تعداد دیگری از شاهدان، تخمین زدند که حدود ۱۵۰ نفر کشته شدند که در میان آنها چندین کودک دیده می شدند. یک معلم که صحنه گشوده شدن آتش توسط سربازان را دیده بود، گفت: «آنها صد هفتاد را به خاک و خون کشیدند. هیچ وقت فکر نمی کردم سربازان با مردم خود چنین کنند.»

خونریزی دو روز دیگر ادامه یافت، تا اینکه بومیبول آدولینادی پادشاه تایلند از سربازان و مردم خواست به درگیری ها پایان دهند. تلویزیون تایلند صحنه ای را نشان داد که در آن، ژنرال سوچیندا رهبر کودتای نظامی زمستان ۱۳۶۹ و چاملونگ سریموانگ مهم ترین رهبر اپوزیسیون تایلند، در برابر پادشاه این کشور زانو زده بودند و پادشاه هشدار می داد که درگیری های خونین باید پایان یابد. پادشاه به دو سیاستمداری که نزد او رفته بودند گفت: «شما باید به یکدیگر روی آورید و راه حل پیدا کنید، اگر این وضع ادامه پیدا کند، کشور دچار خطری جدی خواهد شد.»

معلوم نیست منظور پادشاه تایلند از راه حل چیست، اما مردم تایلند باید از طریق مسالمت آمیز و یا از طریق دیگری، این مسئله را حل کنند که بالاخره چه کسی باید زمام امور این کشور را در دست داشته باشد. در طول قرن حاضر، این بیشتر فرماندهان نظامی بوده اند که کنترل تایلند را در دست داشته اند، اما اکنون افشار رشیدبند شمری در تایلند به مقابله با حکومت نظامیان برخاسته اند. مردم تایلند به این نتیجه رسیده اند که کشورشان می تواند حکومتی دموکراتیک داشته باشد، رژیم بدون دخالت ژنرال ها، ژنرال سوچیندا تا قبل از کناره گیری اش در اوایل خرداد، در راس حکومت نظامی قرار داشت. او در زمستان ۱۳۶۹ طی یک کودتای بدون خونریزی، چاتی چای چون هاوان نخست وزیر منتخب تایلند را برکنار کرده بود. در طول مبارزه انتخاباتی برای گزینش پارلمانی جدید، مردم شهرهای تایلند و بویژه بانکوک، به چاملونگ فرماندار پیشین بانکوک، ژنرال سابق ارتش و احتمالاً محبوب ترین سیاستمدار این کشور امید بستند. چاملونگ یک بودایی مومن است. می گویند او در روز تنها یک وعده غذا، نیم فذایی گیاهی، می خورد و زندگی زاهدانه ای دارد. یک

سیاستمدار تایلندی درباره چاملونگ گفته است: «شاید بعضی ها از مقدس مآبی او خوششان نیاید، اما همه به خاطر صداقت اش و به این خاطر که مانند سایر سیاستمداران در فگو نیست، به او احترام می گذارند.» اعتراضات بانکوک زمانی اوج گرفت که بدستور ژنرال سوچیندا برای مقابله با جنبش دموکراسی، چاملونگ رهبر اپوزیسیون بازداشت شد. اما یک هفته نگذشت که سوچیندا تحت فشار مردم ناچار شد چاملونگ را آزاد کند و با او نزد پادشاه تایلند برود.

همراه با چاملونگ، سه هزار تن دیگر که در جریان اعتراضات بازداشت شده بودند نیز آزاد شدند. سپس پارلمان تایلند به تغییر قانون اساسی این کشور



تایلند: یوحسی گری نیروهای دولتی

شورای امنیت یوگسلاوی را تحریم کرد

بندبال تحریم عراق و لیبی، برای سومین بار طرف دوسال اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد به ابتکار کشورهای غربی یک کشور دیگر را مورد تحریم های گسترده اقتصادی قرار داد. در پی تشدید جنگ میان ارتش فدرال یوگسلاوی و شبه نظامیان صرب از یک سو و نیروهای مسلح جمهوری بوسنی - هرزگوین از سوی دیگر، شورای امنیت به قطعنامه ای رای داد که به موجب آن، هرگونه مبادله اقتصادی و رنت و آمد زمینی، هوایی و دریایی با یوگسلاوی ممنوع است. این تحریم ها، دو جمهوری صربستان و مونته نگرلی را که هنوز عضو فدراسیون یوگسلاوی باقی مانده اند، شامل می شود. روسیه و چین به عنوان اعضای دائمی شورای امنیت از حق وتوی خود علیه قطعنامه پیشنهادی آمریکا و بریتانیا استفاده نکردند.

تحریم های اعمال شده، بلافاصله آثار خود را در یوگسلاوی نشان داد. پرواز هواپیماها میان یوگسلاوی و سایر کشورها قطع شد. اکنون، کشورهای اروپایی مرزهای خود را با صربستان بسته اند. سوخت، در یوگسلاوی کمیاب شده است. در برابر پمپ بنزین های بلگراد صف های طولانی تشکیل شده است. مردم بلگراد بیش از پیش از مداخله نظامی احتمالی کشورهای خارجی با تکیه بر مصوبات شورای امنیت در هراسند. با اینکه در مقاله های بلگراد هنوز تقریباً همه چیز مرضی می شود، اولین آثار کمبود در مورد کالاهای قابل

احتکار مانند روغن، آرد، برنج و شکر مشهود است. انتظار می رود که مواد غذایی در صربستان و مونته نگرلی جیره بندی شود.

در میان مردم صربستان دو نوع روحیه قابل تمایز است: گروهی می گویند که مسئولیت بحران فکلی برعهده دولت بلگراد است و باید این دولت سرنگون شود. برخی دیگر، تحت تاثیر احساسات ملی اند و می گویند همانگونه که صرب ها در مقابل ارتش هیتلر ایستادند، در برابر تهاجم جدید نیز ایستادگی خواهند کرد. افراتیون ارتدکس معتقدند که تهاجم علیه صربستان ریشه در توسعه طلبی مذهب کاتولیک دارد (کروات ها پیرو کاتولیسیم اند). گروهی از سیاستمداران ملی گرای افراطی خواهان آن شده اند که مردم از هم اکنون برای آزمون های «سخت و طولانی» آماده شوند. دولت صربستان در این مورد

در آستانه انتخابات، اسرائیل در مرداب خشونت دست و پا می زند. موج خشونت افزایش چشمگیری یافته است. یهودی ها و اهزاب دست اندر کار کشتار سیهانه یکدیگرند. دسته های کوچک و بزرگ طرف های درگیر که اکثریت غالب آن ها را جوانان تشکیل می دهند، در پی نابودی هم هستند. جوانان یهودی و عرب سرشار از خشم و غضب در شعارهای خود هر یک خوانمان نابودی تمامی احاد ملت مقابلند و در این راه می کوشند. اما در پس این پرده ظواهر حزب حاکم لیکود در قامت دولت اسرائیل ایستاده است. در حالی که، «شکار» کارگران ساختمانی و تاکسی رانان فلسطینی از سوی یهودیان در جریان است، شامیر، نخست وزیر اسرائیل در نطقی فلسطینی ها را تهدید می کند که «هر که مرتکب قتل شود، باید بداند که جان سالم به در نخواهد برد.» بهانه آغاز یورش جدید به فلسطینی ها این است که در سال جاری سه غیرنظامی یهودی توسط فلسطینی ها به قتل رسیده اند.

شامیر به خوبی میداند که حاصل نفرت بی حد و حصر و انفجار خشونت برای اردوی راست لیکود ی آرا بیشتر است. به این دلیل برقراری مقررات منع عبور و مرور برای بیش از ۷۵۰ هزار فلسطینی ساکن نوار غزه، که از سوی موشه آرنس، وزیر دفاع اسرائیل، به عنوان مجازات دسته جمعی صورت گرفت است، پیش از همه هدف نشان دادن

حزب لیکود اسرائیل، عامل اصلی خشونت

قاطعیت سیاسی دولت را در خود داشته است.

شامیر با همسایه خود لبنان نیز از موضع قدرت بر خورد می کند. سربازان اسرائیلی که از موفقیت نیروهای حزب الله در ویران کردن یکی از مقرهای ارتش جنوب لبنان در «منطقه امن» اشغالی اسرائیل فضناک بودند، در یک اقدام انتقامی، یک روز تمام مواضع افراتیون مسلمان را زیر باران موشک و نارنجک قرار دادند. ملیکوپترها و هواپیماهای بمب افکن ارتش اسرائیل پایگاه های حزب الله را با بمب انباشتند. خانه های افراد مظنون به «تروریست» بودن توسط ارتش اسرائیل منهدم شد.

پس از این قدرت نمایی بار دیگر امنیت داخلی و سیاست دفاعی در مرکز مبارزات انتخاباتی اسرائیل قرار گرفت. تشدید درگیری اعراب و اسرائیل همواره در گذشته به سود شامیر بوده است. در نبرد تنگناک انتخاباتی میان حزب لیکود و حزب اپوزیسیون کار، همواره خطر جنگ و شورش علیه دولت اسرائیل از سوی اعراب و فلسطینی ها نقش تعیین کننده ای داشته است.

دولت اسرائیل با اصرار بر خشونت و تشدید آن آینده نامبهمی را پیشش روی صلح در خاور نزدیک قرار میدهد. این سیاست، مردم فلسطین را تا حدود بسیاری از مبارزه مسالمت آمیز دور می کند و میل به مبارزه تفرآمیز و مسلحانه را در میان آنان، بویژه جوانان افزایش می دهد. اینان که

در مقابل خشونت فزاینده ارتش و پلیس اسرائیل و زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین حقوق خود توسط دولت مزبور به تنگ آمده اند، برای خود راهی جز مقابله به مثل نمی یابند. شمار دستجات مسلح جوانان فلسطینی روبه افزایش است. نتیجه سیاست های دولت اسرائیل این بوده است که به عنوان قیام تمامی افشار مردم عرب فلسطینی آغاز شده بود، از مضمون و شکل خود فاصله گیرد. در این میان سازمان آزادیبخش فلسطین در موقعیتی دوگانه قرار دارد. ساف که از یک طرف متعهد به اتخاذ سیاستهایی صلح جویانه شده است، و از طرف دیگر با گرایش نیروهای خود به خشونت روبروست.

بقرنچ فزاینده بحران در روابط اعراب و اسرائیل، شاهد این مدعا است که حل این بحران تنها در نتیجه مساعی بین المللی امکان پذیر است. البته این واقعیت کماکان برجای خود باقی است که اقدامات بین المللی تنها در زمینه های از مقابله مردم فلسطین با دولت اسرائیل و در جهت کسب حقوق قانونی خود امکان پذیر است. فلاکت در بدری، فقر و تحقیر مردم فلسطین و رهایی منطقه از جنگی دیرین تنها یک راه حل دارد؛ وادار کردن اسرائیل به همکاری در حل سیاسی این بحران و تعهد به اجرای آن. تنها در این صورت است که خاور نزدیک آرزوی آینده ای روشن را فراموش نخواهد کرد.

برقراری ارتباط از طریق فاکس

دوستانی که در اقصی نقاط جهان می خواهند بادیبر خانه مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) رابطه برقرار کنند، خوانندگان و علاتمندان نشریه کار که می خواهند خبر، مقاله و یا سندی را سریعاً برای نشریه ارسال بدارند، از طریق شماره فاکس FAX 3318290 - 221 - 00 49 آلمان باما تماس بگیرند.

برای اشتراک نشریه «کار» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با مبالغ های اشتراک، تمپر بستی و یار سید بانکی بر داختم های اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا دیگر نقاط

های اشتراک (شش ماهه) ۴۵ مارک ۵۲ مارک
نشریه «کار» (یک ساله) ۹۵ مارک ۱۰۴ مارک

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

<p>KAR No 36 10. JUN 1992</p>	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p>
<p>آدرس: M.ABD NR-35263011 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY</p>	<p>آدرس: Address: Ruzbeh POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY</p>



یکی از اعضای بوسنی. هرزه گوین قبل از آنکه بدست صربها کشته شود